

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Being Home; An Exploratory Study on Residents' Descriptions
of the Meaning of Home in the Middle Texture of Kermanshah
(Patterns for Improving the Apartments)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

خانه بودن؛ پژوهشی اکتشافی در روایت ساکنان از معنای خانه در بافت میانی
شهر کرمانشاه

(الگوهای برای بهبود خانه‌های آپارتمانی)*

محیا بختیاری منش^۱، مجتبی انصاری^{۲*}، محمدرضا بمانیان^۳، منصور یگانه^۴

۱. دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۲. استاد تمام گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۳. استاد تمام گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۴. دانشیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷

چکیده

بیان مسئله: پرسش از چیستی و چگونگی خانه‌بودن پرسشی عمیق و به‌قدمت زندگی آدمی است. اما شکاف عمیق میان پژوهش‌های حوزه معماری خانه با کالبدی که به‌عنوان خانه در زندگی امروز مشاهده می‌شود؛ نیاز به ارتباط بیشتر این دو حوزه را الزامی می‌نماید. ارتباطی با حلقه مفقوده جایگاه ساکنان و فهم آن‌ها از چیزی که بیشترین تجربه ماندن در آن را دارند. این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که الگوهای موجود از معماری خانه‌های آپارتمانی و فضاهای اصلی تشکیل‌دهنده آن‌ها چگونه می‌تواند در راستای خواسته و نیاز ساکنان براساس معنای خانه برای آن‌ها بهبود یابد و به الگوهای قابل تعمیم در صورت‌های مختلف تبدیل شود؟

هدف پژوهش: فهم اصلی‌ترین معیارهای سازنده معنای خانه از نگاه ساکنان، نمود این معنا در کالبد معماری خانه و سپس رسیدن به الگوهایی برای بهبود وضعیت موجود خانه‌های آپارتمانی براساس پارامترهای ساکنان برای تقرب به محیط‌های زندگی محور.

روش پژوهش: این پژوهش با رویکردی کیفی، از نظر هدف کاربردی به‌صورت توصیفی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری داده‌ها، از طریق مطالعه کتابخانه‌ای همراه با پژوهش میدانی است. همچنین شیوه تحلیل داده‌ها براساس نظریه داده‌بنیاد است. در این مسیر برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه عمیق با ۴۲ نفر از ساکنان خانه‌های آپارتمانی در بافت میانی شهر کرمانشاه در قالب سؤالات نیمه‌ساختاریافته تا رسیدن به اشباع نظری، مشاهده و برداشت میدانی از فضاهای موجود استفاده شده است.

نتیجه‌گیری: تکرار و یکسان‌بودن صورت معماری در مقیاس‌های مختلف نمی‌تواند مکان زندگی را به سمت خانه‌بودن هدایت کند، بلکه این الگوها هستند که راهنمای چنین طریقی محسوب می‌شوند. در این راستا سه الگو برای سه مقیاس مختلف در شش فضای اصلی خانه‌های آپارتمانی کشف شد: اتاق‌های شخصی، اتاق‌های خصوصی، فضاهای جمعی، فضاهای نیمه‌باز، ورودی‌ها و آشپزخانه. لایه‌بندی در ارتباط با فضای قبل و بعد فراتر از فضای درونی، الگوهای شکسته در فضاهایی با دسترسی عمومی-خصوصی و وجود فضاهای میانی از اصلی‌ترین الگوهای بهینه در تمامی فضاها بود.

واژگان کلیدی: خانه، معماری خانه، معنای خانه، الگو، ساکنان، خانه‌های آپارتمانی.

* محمدرضا بمانیان و دکتر «منصور یگانه» در سال ۱۴۰۲ در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران، به انجام رسیده است.
** نویسنده مسئول: Ansari_m@modares.ac.ir، ۰۹۱۲۳۰۱۷۴۶۵

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری معماری «محیا بختیاری منش» با عنوان «برهمکنش صورت معنا در خانه‌های بافت میانی شهر کرمانشاه از نگاه ساکنان» است که به راهنمایی دکتر «مجتبی انصاری» و مشاوره دکتر

مقدمه

وهله اول ساکنان چه فضاهایی از خانه را اصلی تلقی می‌کنند و براساس توصیفشان از معیارهای خانه‌بودن، الگوهای وضع موجود از فضاها چگونه می‌تواند بهتر، کارآمدتر و قابل اجراتر باشد.

سوالات پژوهش

- ۱- معیارهای خانه‌بودن یا خانه خوب در ذهن ساکنان چیست؟
- ۲- نمود این معیارها در کالبد معماری خانه چگونه است؟
- ۳- این معنا چگونه می‌تواند در قالب الگوهایی تعمیم‌شونده به قواعدی تبدیل شوند که بتواند در خانه‌های مختلف صورت‌های مختلف بپذیرد؟

پیشینه پژوهش

کی از راه‌های ورود به مسئله به‌منظور شناخت وجوه سازنده آن و همچنین یافتن خلاء نظری و عملی در این زمینه و بیان نوآوری پژوهش، رجوع به پژوهش‌های انجام شده در این حوزه است. براین اساس به بررسی موضوع، روش و نتایج حاصل در پژوهش‌های انجام‌شده خواهیم پرداخت که غالباً در دو حوزه اساسی دسته‌بندی شده‌اند؛ نخست پژوهش‌هایی با نگاهی نقادانه به وضعیت موجود خانه‌ها و کیفیت زندگی آن‌ها؛ این پژوهش‌ها غالباً وضعیت موجود را نامناسب دانسته، نسبت به آن ابراز نارضایتی کرده و شرایط بیرونی همچون ضوابط نظام مهندسی، تغییر سبک زندگی، تغییر در نوع تفکر، ضوابط شهرداری، کمیت محوری، شرایط اقتصادی و اجتماعی را عامل چنین وضعیتی می‌دانند. دسته دوم به مفاهیم عمیق‌تری اشاره دارند و خانه را برای ساکنان در قالب چند کلیدواژه توصیف می‌کنند که کمک بیشتری به حل مشکلات گروه اول است. اما مسئله اساسی آن است که برای یک طراح معماری رجوع به این پژوهش‌ها نمی‌تواند مستقیماً کمک‌کننده به امر طراحی باشد چرا که این مفاهیم ممکن است نامشخص باشند و یا قواعد دستگیری را فراهم ننمایند. به‌عنوان مثال خانه باید با نشاط و سرزنده باشد. اما اینکه چگونه می‌تواند با نشاط و سرزنده باشد یا اینکه این نشاط در چه جوهی است و از نظر ساکنان چه تعریفی دارد نامشخص است. همین نامشخص بودن باعث شده اغلب چنین پژوهش‌هایی بسیار شبیه به هم بوده و نتایج غیرکاربردی حاصل شود. در رابطه با معنای خانه در جهان‌بینی‌های مختلف پژوهش‌های گسترده‌ای انجام شده‌است که در اینجا صرفاً به برخی از اصلی‌ترین آنها اشاره خواهد شد که غالباً دیگر پژوهش‌ها براساس آن‌ها انجام شده‌است (جدول ۱). در این حوزه افراد دیگری همچون جین مور، باتیمر و سیمون، پیتر ساندرس، شو پی تسای، کیمبرلی دووی، جفری برودبنت و غیره نیز پژوهش‌هایی انجام داده‌اند که با دیگر پژوهش‌ها وجوه مشترک بسیاری دارند. همچنین پژوهش‌های دیگری نیز در سال‌های اخیر در این حوزه انجام شده‌است (جدول ۲).

همواره دشوارترین پرسش‌ها از نزدیک‌ترین چیزهاست. مثل پرسیدن از خود، پرسش از زندگی و پرسش از خانه (طباطبایی ابراهیمی، ۱۴۰۰، ۱۰). همچون پرسش از ماهی که آب چیست و غالباً با این پاسخ مواجه می‌شویم که تا ماهی از آب بیرون نیاید از وجود آب باخبر نمی‌شود. اما آنچه که از این بیرون آمدن از آب برای درک آن و فاصله گرفتن قطع می‌شود، زندگی است. در واقع ما به‌عنوان معمار می‌توانیم پلان‌ها، نماها و مقاطع بسیاری را نقد کنیم اما امکان فهم خانه حین تجربه سکونت در آن، زندگی را حفظ می‌کند. امکان فهم خانه با فاصله گرفتن از آن، تجزیه آن و حذف ساکنان فراهم نمی‌شود بلکه معنای خانه با تمام پیچیدگی‌های آن حاصل می‌شود. در واقع فهم خانه مستلزم فهم زندگی در خانه است (همان، ۱۱). مستلزم فهم معنای خانه از نگاه ساکنان آن است. ساکنانی که بیشترین تجربه ماندن و حضور در خانه را دارند چرا که به‌نظر می‌رسد ورای معانی شخصی فضای خانه که با افراد مختلف مطابقت دارند، ممکن است شبکه گسترده‌تری هم وجود داشته باشد که در آن خانه‌ها معانی را نه از اشخاص منفرد بلکه از همه مردم یا حتی کل عالم اخذ، الگوبرداری و تقلید می‌کنند (فاکس، ۱۴۰۰، ۸۵).

در این راه به‌نظر می‌رسد گونه خانه‌های آپارتمانی در پاسخ‌گویی به نیازهای زندگی روزمره ساکنانش ناتوان باشد: کمبود نور طبیعی، کمبود فضای باز یا نیمه‌باز مناسب، کمبود فضای خصوصی، نبود فضای کار و ترکیب فضای کار و زندگی از اصلی‌ترین این ناتوانی‌ها هستند که امروزه متأسفانه به گونه غالب تبدیل شده‌است (حکمت‌نیا و کمالخانی، ۱۴۰۱، ۳۰). در واقع وجود استانداردها و ضوابط کمی منجر به ایجاد گونه‌های همسان در آپارتمان‌ها شده است که این امر از یک سمت امکان بروز خلاقیت ساختارمند را بسیار دشوار کرده (همان، ۳۳) و از طرف دیگر به‌واسطه عدم پاسخگویی مناسب؛ دل‌بستگی ساکنان به خانه‌شان را کاهش داده است.

بر این مبنا هدف از این پژوهش کشف قواعدی در قالب الگوهایی به‌واسطه ارتباطی سه‌گانه میان پیشینه پژوهش به‌عنوان بخش نظری، وضعیت موجود خانه‌های آپارتمانی به‌عنوان بخش عملی و ساکنان خانه به‌عنوان حلقه اتصال‌دهنده و تجربه‌کننده این دو بخش است.

همچنین ضرورت پژوهش در حل ناسازگاری میان سه بخش ذکرشده و آسیب‌هایی است که این روند می‌تواند بر انسان‌ها، معماری و ارتباط میان آن‌ها بگذارد. روندی که بدون توجه مشغول گسترش و فراگیری است. در واقع به‌نظر می‌رسد سه عرصه کاملاً متفاوت و جدا از یکدیگر برای یک مفهوم تلاش می‌کنند که این جدایی اسباب ناکام ماندن هدف نهایی معماری خانه است.

اهمیت این پژوهش در بهبود ارتباط میان این سه رکن اساسی سازنده خانه برای رسیدن به راهکاری قابل تعمیم است. اینکه در

حلقه اتصال‌دهنده وجه عملی و نظری مسئله پژوهش باشد که کمک‌کننده در حوزه طراحی معماری خانه است. لازم به ذکر است این قواعد براساس بهبود شرایط موجود تدوین می‌شوند.

می‌توان چنین اذعان داشت که نوآوری در این پژوهش نسبت به دیگر پژوهش‌ها آن است که علاوه بر رجوع به ساکنان و توصیف آنها از خانه‌شان؛ نمود کالبدی این توصیف نیز حاصل شود. این توصیف و کدهای برآمده از آن می‌تواند به‌عنوان

جدول ۱. پیشینه پژوهش در حوزه معنای خانه و یافتن معیارهای سازنده آن (منابع دست اول). مأخذ: نگارندگان.

منابع	معیارهای سازنده خانه	رویکرد	پژوهشگران
آیه ۳، سوره همزه آیه ۸۰، سوره نحل آیه ۲۸، سوره رعد آیه ۲۷ و ۲۸، سوره نور آیه ۳۱، سوره اعراف	رسیدن به کمال مطلوب (ذکر خداوند)/ یادآور عالم برتر (گذرا بودن زندگی)/ آرامش‌دهنده (سکینه)/ هویت‌دهنده/ تأمین‌کننده نیازهای فیزیکی/ تأمین‌کننده نیازهای معنوی/ حریم و حرمت/ اعتدال و قناعت/ توجه به طبیعت و تاریخ	اسلامی	قرآن کریم
هایدگر (۱۳۸۱)	اندیشیدن و ساختن/ مرکز هستی/ مفاهیم عمیق و ریشه‌های واقعی/ پروراندن/ سکونت گزیدن/ باشیدن/ Dwelling	پدیدارشناسی	مارتین هایدگر
نوربرگ شولتز (۱۳۹۸) نوربرگ شولتز (۱۳۹۵)	مرکز جهان/ نقطه بازگشت/ فراتر از ابعاد مادی/ آرامش/ هویت‌یابی/ احساس تعلق به مکان/ جریان زندگی ساکنان/ تعیین موقعیت مادی/ برقراری ارتباطی پر معنا میان انسان و محیط/ کاشانه/ Home	پدیدارشناسی	کریستین نوربرگ شولتز
کوپر مارکوس (۱۳۸۲)	خانه نمادی از خویشتن/ رجوع به کهن الگوها/ ناخودآگاه جمعی و نمادها/ فضاهای داخلی: محصور درونی و خصوصی/ صورت خارجی: فضای باز بیرونی و عمومی/ نماد مادی انسان	روان‌شناسی	کلر کوپر مارکوس
باشلار (۱۳۹۷)	خیال‌پردازی/ وجه شاعرانه خانه/ اولین جهان آدمی/ پناهگاه/ خاطرات گذشته/ عظمت پنهان/ نزدیکی/ عمق	پدیدارشناسی	گاستون باشلار
نصر (۱۳۸۹)	عالم صورت و عالم معنا/ نسبت معنا و معنویت در خانه/ رویکرد کیفی/ روح و معنا معادل یکدیگر/ Spirituality	اسلامی	سید حسین نصر
Hayward (1975)	ساختار کالبدی/ قلمرو/ مکان مشخص در جهان/ خود و هویت	روان‌شناسی	جفری هیوارد
راپاپورت (۱۳۹۲ الف و ب)	فراتر از کالبد و پناهگاه/ جایگاه فرهنگ و اجتماع/ بیان مادی شیوه زندگی	روان‌شناسی	آموس راپاپورت
الکساندر (۱۳۹۰)	کیفیت بی‌نام/ زنده/ غیرنفسانی/ منسجم/ راحت/ آزاد/ کامل/ جاودانه	پدیدارشناسی	کریستوفر الکساندر
Tognoli (1987)	مرکزیت/ تداوم/ خلوت/ تجلی خویشتن و روابط اجتماعی	روان‌شناسی	جولین توگنولی
گیفورد (۱۳۷۸)	پناهگاه/ خلوت خصوصی/ حفاظت/ امنیت/ ایمنی/ موقعیت فرد در جهان/ نیازهای روانی ساکنان	روان‌شناسی	رابرت گیفورد
Putnam & Newton (1998)	خلوت/ امنیت/ خانواده/ صمیمیت/ کنترل/ آسایش	روان‌شناسی	تیم پوتنام و چارلز نیوتن
شایگان (۱۳۹۷)	سهروردی/ معنای هر چیز بازگشت به خود چیز/ اقلیم وجود/ تأویل	اسلامی	هانری کربن
Despres (1991)	امنیت و کنترل/ انعکاس ایده‌ها و اعتقادات فردی/ دخل و تصرف در مسکن/ تداوم و بقا/ ارتباطات با خانواده و دوستان/ فعالیت‌ها/ پناه/ شاخص شأن فردی/ ساختار کالبدی/ ملکیت	روان‌شناسی	کارولی دسپرس
رلف (۱۳۹۷)	مکانی غیرقابل معاوضه/ پایه هویت/ مرکز اهمیت/ حس وابستگی به محیط/ مرکز و کانون مقاصد و اهداف انسان	روان‌شناسی	ادوارد رلف
نیلاندر (۱۳۹۰)	سه وجه اصلی: مصالح، جزئیات و فرم سازماندهی اتاق/ هفت معیار خانه بودن: مصالح و جزئیات، محوربندی، محصوریت، حرکت، فرم فضایی، نورگیری، سازماندهی فضایی	پدیدارشناسی	اولا نیلاندر
Rybczynski (1987)	کالبد خانه شکل‌دهنده احساسات/ پناه‌دهنده/ صمیمیت و دلبستگی	پدیدارشناسی	ویتولد ریبنزینسکی
صدرالدین شیرازی (۱۳۷۱)	روح معنا/ یک معنای مشترک و اساسی در میان مصادیق مختلف وجود	اسلامی	صدرالمتالهین

جدول ۲. پیشینه پژوهش در حوزه معنای خانه در مقالات و رساله‌ها (منابع دست دوم). مأخذ: نگارندگان.

عنوان	رویکرد	روش	نتایج	منابع
بررسی تأثیرپذیری مفهوم خانه از تحولات کالبدی آن در دوران معاصر در شهر تهران	-پدیدارشناسی	-تغییرات کالبدی مسکن از اواخر قاجار و پهلوی: پنج وجه: جای‌گیری بنا در بافت، استقرار بنا، شکل‌گیری بنا، شکل‌گیری اجزا، ساخت و ساز -مفهوم خانه در ذهن ساکنان: مصاحبه عمیق	-بیان نقش تحولات کالبدی بر مفهوم خانه -ترکیبی تجربی و انتزاعی از زمان و مکان -ابعاد حسی مؤثر در تبدیل مسکن به خانه -کاهش خاطره‌آفرینی خانه -تضعیف مرکزیت و تجمع در خانه امروز -وابستگی از کیفیات به کمیات -تغییر مفهوم خانه ایده‌آل در نسل‌ها مختلف	آقالطیفی و حجت (۱۳۹۷)
روایت خانه: روشی برای فهم و بازنمایی مطلوبیت تجربه زیسته	-پدیدارشناسی -تجربه زیسته	-روایت خانه از نگاه ساکنان در برهه گذار شهر تهران ۱۳۲۰-۱۳۴۰ با مصاحبه، حضور در خانه، عکاسی و عدم تقلیل خانه به اجزا	-خانه خوب: فهم کیفیت زندگی، رابطه میان انسان و امکان مکان -بیان دو روایت از نگاه ساکنان و نگاه محقق -اثر کلی و یکپارچه خانه در طی سال‌ها بر ساکنان -تأثیر توأمان رویدادها و کالبد -بیان روش‌روایی، بحث و استدلال صوری	طباطبایی ابراهیمی و تفضلی (۱۳۹۷)
کاوش عمیق معنای خانه بومی به روش پدیدارشناسی (روستای موکریان)	-پدیدارشناسی -نظریه ماکس ونن	-MST: یافتن مؤلفه‌های اصلی معنا بخشی به خانه‌های بومی موکریان براساس مصاحبه با، عمیق و تحقیق‌های میدانی از تجربه زیسته ساکنان	-کشف نظام معنایی، هستی‌یافتن، جوهر خانه -خانه موکریان: بازنمون خویشتن، تجلی حس بودن و تبیین هستی‌انسان -ارائه یافته‌ها در سه دسته: معانی از نگاه ساکنان، معانی از نگاه محقق و معانی موجود در پیشینه پژوهش	گلایی، بایزیدی، طهماسبی و سبحانی (۱۳۹۷)
فهم سرشت خانه ایرانی با روش پدیدارشناسی، نمونه‌موردی شوادان و پیش‌بوم در خانه دزفولی	-پدیدارشناسی	-بررسی مؤلفه‌های معماری و مضامین عاطفی خانه	-دو دسته معانی: بویا و ایستا: سیالیت ذهن و لذت، آرامش و نزدیکی به خدا، توجه به مفهوم مکان و نقش اجزاء و کل آن در شکل‌گیری مفهوم خانه	صدوقی (۱۳۹۰)
خانه مطلوب ایرانی، پژوهشی بر مفهوم خانه براساس پنداشت کاربران گذشته و حال	-زمینه‌گرایی -اجتماعی -جامعه‌شناسی	-	-ارائه مفهوم خانه مطلوب ایرانی: مقیاس کوچک دنیای خود ساخته انسان: بیان‌کننده چگونگی زندگی یک ملت. تغییر و تحول خانه متناسب با اوضاع اجتماعی جامعه	ایلکا (۱۳۹۶)
بازشناسی مفهوم خانه در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی	-زبان‌شناسی	-بررسی خانه، مفاهیم، فرهنگی، تاریخی و ارزشی از منظر زبان فارسی	-خانه: نماد هستندگی انسان، محل تلاقی محور فضا- زمان -خانه نماینده تعبیر انسان از جهان پیرامون	براتی (۱۳۸۲)
بازشناسی معنای خانه در قرآن رهیافتی در جهت تبیین مبانی نظری خانه	-اسلامی -هرمنوتیک و تأویل	-یافتن معنا خانه، مسکن و سکونت در قرآن -استخراج واژگان قرآنی و مفاهیم وابسته به خانه -رجوع به آیات قرآن کریم	-آرامش داشتن جوهره خانه و کلید آن ذکر و یاد خدا -هندسه و قدر، شاه‌کلید معماری ذاکرانه -ارتباط بلاواسطه میان طبیعت، کالبد و فضای خانه -خانه مذکر، خانه، مسکن و مفکر	کبیری سامانی، ملکوتی و یادگاری (۱۳۹۵)
تبیین صفات تأثیرگذار خانه در شکل‌گیری دلبستگی انسان به آن (ارائه یک مدل فرایند علی)	-روش علی	-شناسایی نقش معماری خانه، صفات و کیفیات کالبدی آن در شکل‌گیری دلبستگی انسان	-معیارهای خانه: لنگرگاه بودن، شاخصی برای شأن اجتماعی، بستری برای شکل‌گیری خاطرات شیرین و بستری برای رفع نیاز رفتارها. صفاتی از خانه با ارتباط علی با کالبد	حجت، مظفر و سعادت (۱۳۹۶)
معنا در مسکن، بازخوانی روایت مسکن دیروز برای زندگی امروز	-اسلامی	-یافتن معیارهای مسکن اسلامی -قیاس با مسکن امروز	-بیان جایگاه خانواده در شکل‌گیری معنای خانه -مسکن اسلامی: پاسخ به نیازهای مادی، آرامش معنوی و نیازهای روحی همچون تفکر، عبادت و آرامش قلب -مسکن امروز: تضعیف مفاهیم والای سکونت، تضعیف اصالت و هویت مسکن، فقدان آرامش روحی و روانی، کاهش حرمت و امنیت و شکل‌گیری نگرش اقتصادی به جای نگرش ارزشی	محمودی مهماندوست (۱۳۹۶)

عنوان	رویکرد	روش	نتایج	منابع
خانه، لباسی بر تن خانواده	-اسلامی -روان‌شناسی	-شناخت نهاد خانواده و تصویرسازی زندگی از دیدگاه‌های مختلف -شکوفهٔ نظرخانه: پیشنهادات	-بیان اهمیت جایگاه خانواده در شکل‌گیری مفهوم خانه -بیان چگونگی ادراک فضایی و رفتاری انسان	عزیزی بندرآبادی (۱۳۸۱)
باز تعریف الگوهای طراحی مسکن مطلوب ایرانی - اسلامی معاصر با ارزیابی کیفی خانه‌های سنتی	-اسلامی	-تحلیل سلسله‌مراتبی AHP: مصاحبه، مشاهده، بررسی ویژگی‌های مکانی، فضایی، تحلیل نقشه‌ها و سنجش طرز برخورد با مسکن	-معیارهای افزایش کیفیت مسکن معاصر -سبک زندگی، نیازهای انسان، شرایط جامعه -رابطهٔ معنادار میان کیفیت خانه‌های سنتی، انسان، معماری و سبک زندگی، کیفیت محیطی، کالبدی، عملکردی و ساختاری	آصفی و ایمانی (۱۳۹۵)
الگوی نوین از دستور زبان شکل در معماری خانه‌های امروز نمونه‌موردی خانه‌های مجموعه‌ای قاجاری شهرهای تبریز و تهران.	-زبان‌شناسی	-الگویی نوین از دستور زبان شکل در معماری خانه امروز براساس خانه‌های قاجاری تبریز و تهران	-مفاهیمی همچون پیوند با محیط، شادی، آرامش، جدایی از زندگی روزمره در فضاهایی همچون ایوان، زیرزمین، فضای سبز، هشتی و شاه‌نشین	حسینی و نوروزبrazجانی (۱۳۹۷)
ارزیابی اصول معنادهی به مشربیه تا بالکن‌های معاصر، تعامل درون و بیرون خانه‌های شهر کرمانشاه	-پدیدارشناسی	-کیفی: درجه‌بندی کیفی بالکن‌های مختلف براساس تحلیل روایت ساکنان	-معیارهای کالبدی، عملکردی، اجتماعی و معنایی در حوزهٔ معماری خانه و امنیت، خوانایی و نمای شهری در حوزهٔ شهری خانه: محافظت، اشراف، تعاملات، لذت بخشی، تعلق خاطر، تناسبات، دسترسی و مسائل اقلیمی	بختیاری‌منش و بمانیان (۱۴۰۲)
بررسی مسکن از دیدگاه نشانه‌شناسی، مورد مطالعاتی خانه‌های دورهٔ قاجار و مجتمع‌های مسکونی معاصر شهر شیراز	-نشانه‌شناسی	-بررسی خانه‌های قاجار و خانه‌های معاصر شهر شیراز از دیدگاه نشانه‌شناسی	-خانه به مثابهٔ متنی تشکیل‌شده از لایه‌های مختلف تاریخی، سیاسی، ایدئولوژی، اقتصاد، ساختار خانواده و مذهبی و در دیدگاه نشانه‌شناسی تأثیرگذار لایه‌ها بر معانی و فضاهای مختلف خانه	برهمن، پروا و نصر (۱۳۹۹)
رویکرد انسانی به مسکن	-پدیدارشناسی	-تعریف هویت و مکانی برای شکل‌گیری آن در رویکرد پدیدارشناسانه و کل‌نگر	-ارائهٔ مدل چگونگی شکل‌گیری هویت در ارتباط با مکان به‌منظور تقرب به خلق مکان‌های با معنا	پوردیهیمی، زمانی و نگین‌تاجی (۱۳۹۰)
خانه‌خوانی	-پدیدارشناسی	-بررسی خانه‌های دوران گذار شهر تهران -جمع‌آوری روایت ساکنان از تجربهٔ زیسته در این خانه‌ها	-بیان ۱۲ شاخص برای خانه‌بودن مکان زندگی: تجربه از خانه‌های گذشته، بالاتر بودن، راهروی مشترک، ساکن روان، خیال و بهار خواب، ایوان تماشای، گریز به مرکز، خلوت، ناخانه‌ها، گوشه‌های ایهام، قالب شدن، مادر حیا، خانه‌هایی که در ذهن می‌مانند	طباطبایی ابراهیمی (۱۴۰۰)
خانه‌هایی که در من جا ماندند	-پدیدارشناسی	-یافتن مؤلفه‌های متنوع معناسازی خانه در داستان‌های ادبیات ایران	-ارائهٔ شش معیار برای معناسازی خانه: حضور، مالکیت، مرز، حریم، زنانگی، قدرت -ارائهٔ شرحی بر این شش عامل: قلمرو، مرز درون و بیرون، خاطرات، ارزشمندی اشیاء، به‌کارگیری حواس، مالکیت و قدرت	ارمغان، خوانساری و شفیعیان (۱۴۰۰)
همه چیز دربارهٔ خانه	-ترکیبی	-قیاس میان خانه و منزل، تنوع خانه‌ها و اهمیت مکان و سکونت	-فهم معنای خانه در رویکردهای مختلف به‌صورت مختصر: خانه، بی‌خانمانی، آیندهٔ خانه	فاکس (۱۴۰۰)

مبانی نظری

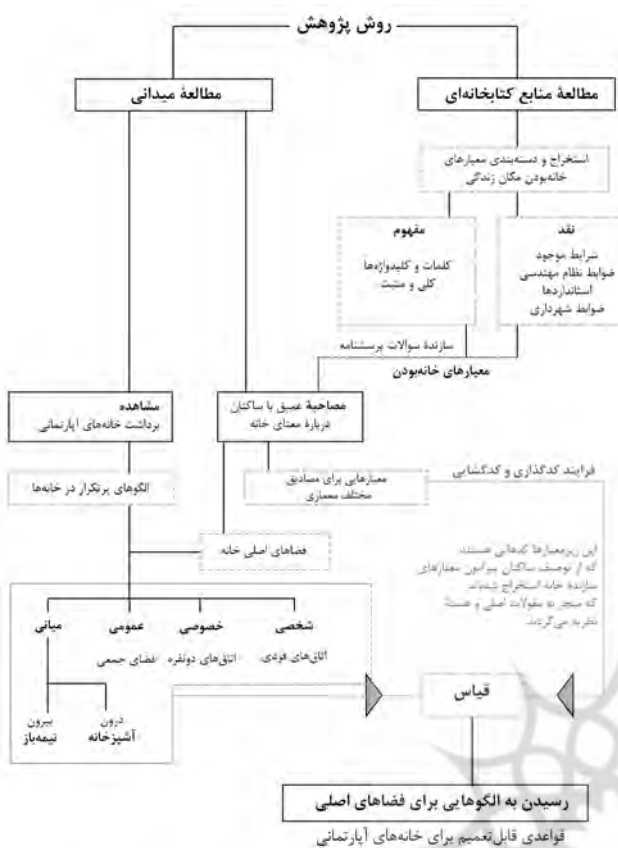
نیاز به شناخت مفهوم خانه در دوران معاصر و روند تغییر این مفهوم در راستای تقرب به سؤالات پژوهش حائز اهمیت است. در ابتدا با رجوع به معنای این لغت در فرهنگ لغت دهخدا چنین حاصل می‌شود که واژهٔ خانه به معنای منزل، سکونت، بیت و اطلاق است (دهخدا، ۱۳۷۷). در فرهنگ معین نیز با عنوان منزل و محل اقامت تعریف شده است. همچنین مترادف این

می‌توان چنین اذعان داشت که نوآوری در این پژوهش نسبت به دیگر پژوهش‌ها آن است که علاوه بر رجوع به ساکنان و توصیف آنها از خانه‌شان؛ نمود کالبدی این توصیف نیز حاصل شود. این توصیف و کدهای برآمده از آن می‌تواند به‌عنوان حلقهٔ اتصال‌دهندهٔ وجه عملی و نظری مسئله پژوهش باشد که کمک‌کننده در حوزهٔ طراحی معماری خانه است. لازم به ذکر است این قواعد براساس بهبود شرایط موجود تدوین می‌شوند.

واژه جا، جایگاه، دار، سرا، مأوا، محل، مکان، منزل و معمولاً واژه مسکن در نظر گرفته می‌شود اما این دو دارای تفاوت‌هایی هستند. در زبان انگلیسی نیز برای واژه خانه/کاشانه از لغت Home به معنای ساختار کالبدی که در آن زندگی اتفاق می‌افتد و مکانی که خانواده آن را تشکیل می‌دهند، استفاده شده است. دامنه این واژه گسترده‌تر از مسکن بوده و معانی بیشتری را دربر می‌گیرد. در عوض واژه مسکن معادل House به معنای محل فیزیکی اقامت، سرپناه و بنا یاد شده است (Wehmeier, 2004, 744). بنابراین شاید بتوان گفت مسکن به‌عنوان ساختار کالبدی و خانه به‌عنوان مجموع این ساختار کالبدی و مفاهیم وابسته به آن به کار برده می‌شود (آقالطیفی و حجت، ۱۳۹۷، ۴۳). در واقع می‌توان چنین تصور کرد که غالباً منظور از خانه یا خانه‌بودن مکان زندگی پی‌بردن به ویژگی‌های یک خانه خوب است جایی که متناسب با نیاز انسان و برای زندگی او باشد. که یقیناً شامل اجزا و لایه‌های متعدد و پنهانی است که باید آشکار شود (طباطبایی ابراهیمی و تفضلی، ۱۳۹۷، ۱۲۷). بنابراین فهم این خانه‌بودن مکان زندگی در نسبت مستقیمی با ساکنان و تجارب آنها از این حضور شکل خواهد گرفت. چرا که سابقه توجه به خانه با زیستن انسان یکی است اما به‌واسطه عدم پاسخگویی محیط خانه بر تمامی جنبه‌های زندگی در دوران بعد از مدرن توجه به مفهوم سکونت نیز فزونی یافته است (آقالطیفی، ۱۴۰۰، ۱۸). خانه‌ها همیشه مکان‌های دورهم جمع‌شدن بوده‌اند؛ جاهایی برای پناه گرفتن، جایگاهی مرکزی در حیات بشری. در نتیجه درباره خانه بسیار اندیشیده‌اند، بدان ارجح نهاده و تمنایش را داشته‌اند. از این رو شاید تصور کنیم که خانه مفهومی جا افتاده، مفهومی شفاف و به سهولت فهم شده است اما اگر واقعا اینطور فکر کنیم باید درباره اش از نو بیندیشیم. خانه مفهومی است حقیقتاً بنیادی و جهان‌شمول و با این حال برای افراد مختلف در موقعیت‌های گوناگون معانی لایه‌لایه و به‌هم‌پیوسته متعددی دارد (فاکس، ۱۴۰۰، ۱۳). در واقع باید مجدانه به وجود برخی مؤلفه‌های ذاتی و بنیادی بیندیشیم که داشتن یک خانه و بودن در خانه را می‌سازند و بدان معنا می‌دهند (همان، ۱۹).

آنچه در این بین حائز اهمیت است تغییر در نگرش به مفهوم خانه در تحول از دوران سنت به جهان کنونی است چرا که خانه مفهومی وابسته به زمان است که تغییر نگرش در آن بر تغییر کالبد آن نقش اساسی ایفا می‌کند. خانواده‌های هسته‌ای، کوچکتر، محدودتر، ساده‌تر از خانواده‌های گسترده، خانه‌های آپارتمانی کوچک‌تر را طلب کند (آقالطیفی، ۱۴۰۰، ۱۹). می‌توان به اساس این تغییرات در دوره قاجار رجوع کرد، که در حوزه معماری مسکن تحولات تدریجی ایجاد شد. تا قبل از آن در طبقه متوسط خانه‌ها همچنان به‌سان قبل بودند، حیاط به‌عنوان حریم خصوصی خانه، فضای میانه‌ای بود که مستقیماً از کوچه به آن وارد نمی‌شدند، تمام پنجره‌ها به این فضا باز می‌شد،

فضاهای خدماتی از زندگی مجزا بود، سلسله‌مراتبی برای ورود از بیرون به درون خانه وجود داشت که هر کسی اجازه دسترسی به آن را نداشت، حوضی میانه حیاط، درختان و سرسبز قاب‌شدن آسمان هر یک هدیه خانه به ساکنانش بود. اما ظهور این تغییر در جریان متوسط خانه‌ها علی‌الخصوص در دوره پهلوی اول اوج گرفت، شکل‌گیری خانه‌های آپارتمانی؛ ایرانیان در مواجهه با بینش تمامیت‌خواه غرب احساس ضعف کردند. در کنار آن برنامه اصلاحات، نوسازی و فرایند مدرن‌شدن شهرها گرایش به خانه‌های عمودی را ایجاد کرد که نمود غالب آن در دهه‌های اخیر قابل رویت است (سمسار، سربایان و مقدم، ۱۳۹۲، ۹). تغییر و تحول اساسی نسبت به گذشته، تنزل یا نادیده گرفتن ارتباط فضاها با یکدیگر، سلسله‌مراتب، انعطاف‌پذیری، چند عملکردی، اولویت بودن با پارکینگ و غیره سبب از بین رفتن فضاهای انسانی شده است (حائری مازندرانی، ۱۳۹۵). بنابراین اولویت خانه‌بودن در زندگی امروز با خانه‌های آپارتمانی است. این امر باعث می‌شود چنین سؤالی ایجاد شود که مفهوم معانی که برای خانه‌بودن یا در واقع خانه خوب‌بودن توسط پژوهشگران استخراج شده است، در ذهن ساکنان خانه‌های آپارتمانی در جریان واقعی زندگی چگونه خواهد بود؟ از طرف دیگر ویژگی‌های خاص معماری مسکونی خانه‌ها هرگز توسط دانشجویان و اساتید بررسی نشده است (نیلاندر، ۱۳۹۰، ۹). بریژیت آندرسون در رساله دکتری خود با عنوان «خانه ایده‌آل یا اسکان اضطراری»، دو عامل ارزشی در خانه و دو روش مختلف توضیح مسئله سکونت یعنی کیفیت و کمیت را توصیف می‌کند. اینکه سیاست‌های مسئولان ساخت‌وساز پس از جنگ جهانی دوم، کیفیت را قربانی کمیت آن کرده است. توجه روزافزون به تکنولوژی ساخت‌وساز و مسائل اقتصادی باعث از بین رفتن معماری خوب شده است. در مواجهه با نیازهای فراوان اقتصادی و سیاسی معماران نتوانستند ارزش طراحی خوب را نشان دهند. امروزه می‌توان تأثیر مناطق مسکونی که در آنها کمیت باعث کمرنگ‌شدن ویژگی‌های کیفی شده است، احساس ناراحتی ساکنان در آپارتمان‌ها که به‌سختی می‌توان در آنها احساس آرامش کرد (همان، ۱۱). چنین به‌نظر می‌رسد که معماری خانه باید به‌عنوان موجودیتی حاصل از تلفیق ویژگی‌های محسوس و نامحسوس توجه کرد. در این راستا ویژگی‌های کاربردی خانه به وضوح در تحقیقات فراوان توصیف شده‌اند. ضوابط، قوانین و استانداردهایی که جوابگوی نیازهای عملکردی خانه هستند. اما ویژگی‌های کیفی، زیبایی‌شناختی و نمادین برای درک افراد از خانه مهم‌تر است (همان، ۱۳). با رجوع به پیشینه پژوهش در حوزه خانه و معماری آن می‌توان محوریت مسئله در این پژوهش‌ها را به سه حوزه اساسی تقسیم نمود: نخست پژوهش‌هایی هستند که خانه را با مؤلفه‌های کمی آن، نسبت میان متغیرها و نقش ضوابط سنجیده‌اند. پس از آن پژوهش‌هایی



تصویر ۲. روش پژوهش؛ تعامل بخش میدانی و کتابخانه‌ای. مأخذ: نگارندگان.

گسترده تعمیم داد (کرسول، ۱۳۹۸، ۳۲۸). در نهایت می‌توان گفت ملاک قضاوت در پژوهش‌های کیفی، باورپذیری آن براساس انسجام، بینش و قابل‌اعتماد بودن فراتر از شاخص‌های معمول اعتبار، پایایی و تعمیم‌پذیری است (همان، ۳۳۳).

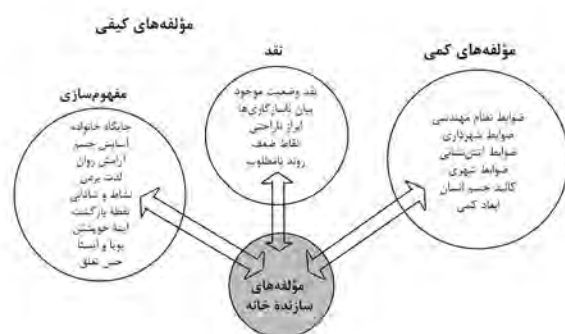
انجام پژوهش میدانی

جامعه آماری شامل ۴۵۰ خانه آپارتمانی ساخته‌شده از سال ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ (بازه زمانی دو دهه) در بافت میانی شهر کرمانشاه است. خانه‌های آپارتمانی در این بافت حداقل ۸۰ متر و حداکثر ۲۰۰ مترمربع هستند. علت انتخاب این بافت در وهله اول تغییر ناگهانی غالب خانه‌های ساخته‌شده از خانه‌های حیاطدار مستقل (ویلائی) به خانه‌های آپارتمانی در این بازه زمانی و اولویت قرار گرفتن خانه‌های آپارتمانی در آینده این روند است. در وهله دوم عدم توجه به ساکنان و نیازهای آنها یا پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه در روند طراحی این نسل از خانه‌ها است و در مرتبه سوم شناخت محقق از آن و امکان برقراری ارتباط بهتر با ساکنان به‌عنوان مشارکت‌کننده طی پژوهش است. در بخش اول از آنجا که هدف توصیف دقیق و قابل‌تحلیل از مفاهیم به‌دست آمده است؛ نیاز به تعمیم در صحبت با ساکنان وجود دارد بنابراین از این تعداد با ۴۲ نفر از ساکنان مصاحبه عمیق انجام شد که در بهار و تابستان سال ۱۴۰۱ در بافت میانی شهر کرمانشاه ساکن بودند

هستند که پیرامون مسائل خانه به نقد آن پرداخته‌اند اما راهکاری ارائه نداده‌اند، آسیب‌شناسی‌ها، ناسازگاری‌ها و تغییرات نامطلوب نسبت به گذشته در این حوزه قرار دارند. در نهایت پژوهش‌هایی که به جایگاه مفاهیم کیفی در حوزه خانه پرداخته‌اند؛ حس تعلق خاطر، سرزندگی، تعاملات همسایگی و غیره از این دست پژوهش‌ها هستند. در واقع می‌توان گفت مؤلفه‌های سازنده خانه در تمامی این وجوه تعریف می‌شوند (تصویر ۱).

روش تحقیق

این پژوهش با رویکردی کیفی، از نظر هدف کاربردی به‌صورت توصیفی-تحلیلی و از نظر شیوه جمع‌آوری داده‌ها، از نوع مطالعه کتابخانه‌ای همراه با پژوهش میدانی می‌باشد. همچنین شیوه تحلیل داده‌ها براساس نظریه داده‌بنیاد است. در این مسیر برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه عمیق با ساکنان در قالب سؤالات نیمه‌ساختاریافته، مشاهده و برداشت میدانی از فضاهای موجود بهره برده شده است. در وهله اول به سراغ خانه‌های آپارتمانی رفته و الگوهای از کالبد آنها استخراج شده است. سپس معانی کشف‌شده توسط محققان به‌واسطه توصیف ساکنان شرح و بسط داده شده است. این توصیفات طی فرایند کدگذاری در نرم‌افزار MAX QDA تحلیل شده است. در مرتبه اول کدگذاری باز قرار دارد. این مرتبه به یافتن مفاهیم و مقولات کمک می‌کند. پس از آن کدگذاری محوری است که مقولات اصلی و فرعی را مرتبط می‌سازد و در نهایت به‌واسطه کدگذاری گزینشی خط داستانی میان مقولات استخراج خواهد شد که منجر به یکپارچگی آن می‌شود؛ اینکه این معانی چه وجوهی از جنس معماری را شامل می‌شوند و مصداق آنها در صورت خانه چگونه خواهد بود (تصویر ۲). از آنجا که در بیشتر مواقع در پژوهش‌های کیفی با زمینه اجتماعی، شخصی بودن ماهیت مصاحبه به‌واسطه پژوهشگر و خاص بودن اندازه‌های میدانی، نتایج ضرورتاً قابل تکرار توسط دیگر پژوهشگران نیستند (گروت و وانگ، ۱۳۹۶، ۳۹). انتقال‌پذیری یا تعمیم در پژوهش‌های کیفی غالباً به‌صورت محدود استفاده می‌شود. اما می‌توان نتایج حاصل از آنها را به یک نظریه



تصویر ۱. مدل مفهومی جزئی؛ چارچوب نظری برای مؤلفه‌های سازنده خانه براساس پیشینه پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

که به وجوه بدیع اشاره دارند در قالب کدگذاری تا رسیدن به مفاهیمی با محوریت ویژگی اصلی هر فضا برای ساکنان و مقولاتی مرتبط با صورت معماری خانه استخراج شد. لازم به ذکر است این فرایند خطی نبوده و طی مسیرهای رفت و برگشتی میان توصیف، کدها، مفاهیم و مقولات انجام پذیرفته است. الگوهای کشف شده بر مبنای مقولات حاصل از روایت‌های تجربه ساکنان در خانه بار دیگر به آنها نشان داده شده تا صحت نتیجه به دست آمده سنجیده شود (جدول ۳).

بحث؛ نمود کالبدی معیارهای خانه بودن؛ تقرب به الگوها
براساس توصیف ساکنان در رابطه با عوامل سازنده معنای خانه در طی فرایند کدگذاری و کدگذاری در جدول ۳؛ به شش فضای اصلی سازنده خانه که در شکل گیری معنای خانه نقش مستقیم دارند اشاره شد: اتاق‌های شخصی، اتاق‌های خصوصی، فضاهای نیمه‌باز، فضاهای جمعی، آشپزخانه و ورودی خانه. در این راستا و در پاسخ به سؤال دوم پژوهش، نمود کالبدی معیارهای سازنده خانه در هر فضا از نگاه ساکنان استخراج شد.

• اتاق‌های شخصی / استفاده تک نفره

براساس روایت ساکنان از اتاق شخصی برای خودشان چنین اتاقی از چهار زیرمجموعه (تخت‌خواب، کمد لباس، تعویض لباس، فضای مطالعه و کار) تشکیل شده است که بر مبنای وسعت اتاق می‌توانند توسعه یافته یا محدود شوند (تصویر ۵). اتاق‌هایی برای محافظت از تنش‌هایی که هر روزه توسط زندگی روزمره ساخته می‌شود (ونتیلینگ، ۱۴۰۱، ۱۳). اتاق‌هایی با معیارهایی که می‌توانند کلیدهایی برای مسئله طراحی و الگویابی باشند (جدول ۴).

• اتاق‌های خصوصی / استفاده دو نفره

روایت ساکنان از اتاق‌های خصوصی دونفره برای والدین چنین عنوان شد که این اتاق‌ها به پنج زیرمجموعه قابل تقسیم هستند: تخت خواب، کمد لباس درون‌رو، فضای تعویض لباس مشترک یا جداگانه، سرویس بهداشتی، حمام و فضای نشستن دونفره برای مطالعه (تصویر ۶). در واقع چنین فضایی را مفری برای کسب آرامش از تمام دغدغه‌های خانه، فرزندان و مسائل کاری می‌دانند

(این جامعه نمونه براساس رسیدن به اشیاع نظری طی بررسی سؤالات به دست آمده است). این بررسی در قالب دو بخش اصلی انجام شد. بخش اول پنج سؤال نیمه‌ساختار یافته درباره معیارهای سازنده خانه و بخش دوم فضاهای سازنده خانه و معیارهای مطلوبیت آنها که از ۴۲ نفر از ساکنان محدوده بافت که همگی تجربه بودن در خانه‌های حیاطدار مستقل را داشته و اکنون در خانه آپارتمانی زندگی می‌کنند، پرسیده شد. هر سؤال موضوعی مشخص را دربر می‌گرفت که شامل معانی استخراج شده برای خانه بودن مکان زندگی است. در نهایت مصاحبه‌ها تماماً ثبت شده و کدهایی از درون آنها استخراج شد. این کدها در واقع ویژگی‌های هر فضا هستند که در توصیف ساکنان لفافه شده‌اند و می‌توانند در مصادیق مختلف معماری خانه نمایان شوند (جدول ۳). در بخش دوم خانه‌های آپارتمانی ساکنان برداشت شده تا الگوهای جاری از روند خانه‌سازی در این دو دهه کشف شود. این امر از یک سمت به واسطه قیاس با توصیف ساکنان از خانه می‌تواند بهبوددهنده آینده خانه‌سازی باشد و از سمت دیگر الگوهای استخراج شده از آن می‌تواند به صورت مستقیم گزینه‌هایی کالبدی برای معماری خانه را ارائه دهد. (تصویر ۳).

تحلیل داده‌ها؛ معیارهای خانه بودن

براساس گردآوری داده‌ها از مصاحبه عمیق با ۴۲ نفر از ساکنان خانه تا رسیدن به اشیاع نظری؛ ساکنان برای هر یک از ویژگی‌های خانه خود (خانه‌های تجربه شده در قیاس با خانه‌های ایده‌آل) روایتی ارائه دادند. در این بین خانه‌هایشان نیز بررسی و برداشت اولیه شد (تصویر ۴). در این روایات از طرفی وجوهی مرتبط با کالبد معماری خانه کشف شده و از طرف دیگر داده‌های پنهان تری



تصویر ۳. فرایند مطالعه میدانی در سه بخش مصاحبه عمیق، برداشت خانه‌ها و مقایسه تطبیقی نتایج دو یافته. مأخذ: نگارندگان



تصویر ۴. الگوهایی از تمامیت خانه‌های آپارتمانی موجود (از سمت راست: خانه‌های دهه ۹۰ شمالی، دهه ۹۰ جنوبی، دهه ۸۰ شمالی و دهه ۸۰ جنوبی). مأخذ: نگارندگان.

درون آوردن بخشی از بیرون، فضایی برای کاهش دغدغه‌های روزانه، حیاط از دست رفته و انجام عملکردهای مختلف اهمیت بالایی برای ساکنان دارد (جدول ۶). براساس روایت ساکنان این فضا به چهار زیرمجموعه قابل تقسیم است: فضای نشستن جمعی، ارتباط با طبیعت، فضاهای پشتیبانی درونی خانه همچون خشک کردن لباس یا پختن غذا و کباب (تصاویر ۸ و ۹).

• فضاهای جمعی

در واقع چنین فضایی برای استفاده اعضای خانواده، دورهم

(جدول ۵). در این بین چگونگی ارتباط اتاق‌ها با یکدیگر و با فضای جمعی مثل تغییر در محوربندی، لایه‌بندی مرزها، در نظر گرفتن سلسله‌مراتب، کنترل صدا (از بین بردن دیوارهای مشترک)، عدم دید مستقیم به فضاهای مختلف، عدم دسترسی مهمانان به فضاهای خصوصی خانه، تفکیک فضاهای خصوصی، عمومی و شخصی حائز اهمیت است (تصویر ۷).

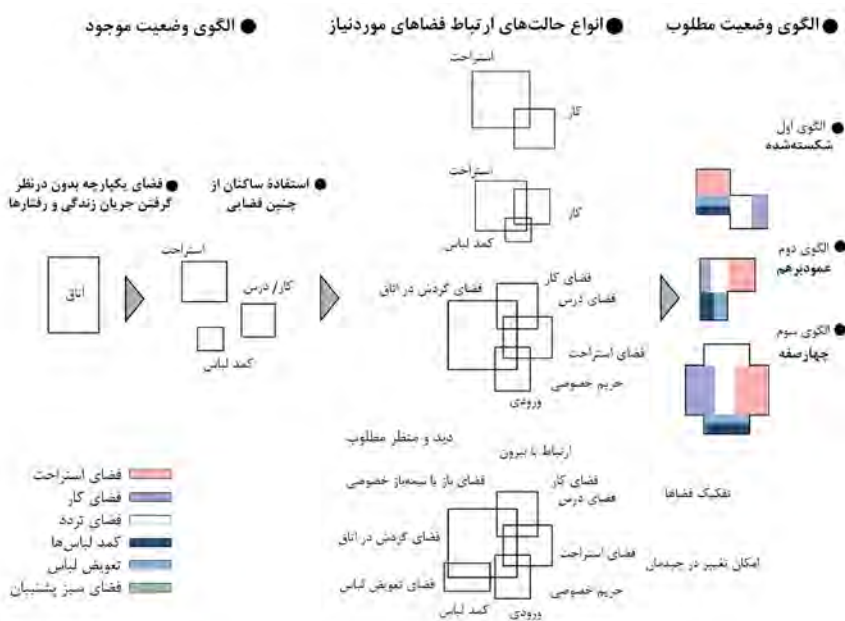
• فضاهای نیمه‌باز

چنین فضایی به دلیل تعریف چگونگی مرز درون و بیرون، به

جدول ۳. کدگذاری توصیف ساکنان از معنای خانه (معیارهای خانه خوب) براساس پیشینه پژوهش (بخش اول پرسش‌ها). مأخذ: نگارندگان.

هسته اصلی سؤالات	کدهای کشف شده از روایت ساکنان؛ توضیحی بر کدها	ویژگی‌های استخراج شده هر فضا و معیارهای خانه خوب	مصادق معماری در صورت خانه؛ مقوله‌سازی
ساکن اما پویا	- استقرار یافتن: یک مکان مشخص در موقعیت جغرافیایی مشخص و ثابت و از نظر ایمنی محکم و متصل به زمین - راحتی خیال: آسیب‌های جسمی از تغییر شرایط؛ گره اتصال دهنده مکان، زمان و وقایع؛ متصل به زمینه، محله، همسایه، اقلیم، فرهنگ، جامعه و هم‌خوانی داشتن - تنوع فضاها؛ بسته، باز، نیمه‌باز، چیدمان مختلف، فضاهای نیمه‌باز نه خیلی بزرگ و نه کوچک اما قابل استفاده، تناسب مطلوب نزدیک به مربع، جدید بودن ضمن توجه به گذشته - دیده نشدن از بیرون: راحت بودن، حریمیت، احساس سکون بیشتر، قرار پیدا کردن متناسب با تحولات جمعیتی جامعه؛ نیاز تمام اعضای خانواده کودکان تا افراد کهن سال، متناسب با تغییرات ساکنان در طی سال‌ها، انعطاف پذیری و چند عملکردی بودن - امکان اعمال تغییر و تحولات براساس نیاز و خواسته ساکنان - دیدن جریان زندگی گذر، تغییر آب و هوا، تغییر فصول، رشد درختان	- مکان مشخص: مالکیت موقت یا دائمی (فضاهای نیمه‌باز کاربردی تر از فضاهای باز؛ در زمان حال / پیش بینی جریان زندگی و اتفاقات: تعریف فضاها) - فضای نیمه‌باز: بین ۶ مترمربع تا ۲۰ مترمربع (بیشتر از این عدد فضای داخلی را بسیار کاهش می‌دهد و کمتر از این عدد عملاً غیر قابل استفاده است.)، تناسب مناسب ۲ به ۳ تا ۲ به ۵، عرض حداقل ۲ متر و حداکثر ۴ متر - فعالیت‌های جریان زندگی در فضای نیمه‌باز: پرورش گل و گیاه، کتاب خواندن، درست کردن کباب، درست کردن نذری، درست کردن غذاهای بودار، عصرانه یا صبحانه، مناسب برای نشستن و دورهمی‌های کوچک، دیدن بیرون بدون دیده شدن، امکان لمس باران، برف، هوای تازه، نور خورشید، رشد درختان - طبقات غیر تکرار شونده، برای زندگی خانواده‌های مختلف - فرم‌های غیر ساده و یکنواخت، صلب و مجوف - نمای غیر ساده، یکنواخت، مکعب مستطیل و ظاهر آراسته شده	- افزایش امکان فعالیت‌های مختلف در یک فضای واحد و امکان انجام یک فعالیت مشخص در فضاهای مختلف - امکان رخ دادن وقایع مختلف در فضاهای متنوع - حضور طولانی مدت در خانه؛ افزایش تعلق - حیاط خلوت، بالکن قابل استفاده، حیاط؛ فضاهای باز، نیمه باز و بسته قابل استفاده؛ فضاهای متنوع - انجام فعالیت‌های مختلف - امکان تغییر چیدمان فضا - در نظر گرفتن تمام اتفاقات ممکن در آن فضا: دیدن جریان زندگی - امکان نفوذ فضای داخلی و خارجی در یکدیگر؛ خانه وسیع‌تر از فضای درونی آن - در سبک زندگی امروز (افزایش زندگی آپارتمانی)، فضاهای نیمه‌باز کارآمدتر از فضاهای باز؛ کنترل بیشتر بر میزان دیده شدن - منعطف بودن فضاها و امکان تفکیک یا ترکیب
نقطه بازگشت	- مجبور به بازگشت (جای دیگری نداریم)؛ وسایل شخصی، خانواده، دارایی و مالکیت، اطمینان از امنیت و ایمنی، آشنا، سرپناه، حداقل‌ها، عادت کردن، دشواری تغییر، پذیرش شرایط - علاقه‌مند به بازگشت: خانواده، صمیمیت، شادی، احترام، حس گرما، استقلال، حریم خصوصی، قضاوت نشدن، کنترل نشدن توسط دیگران، خود واقعی بودن، برای خود ما، کنترل داشتن، کاهش دغدغه‌های روزانه، متناسب با نیازهای تمام اعضای خانواده، مجزا کردن از باقی جهان ضمن کنترل داشتن بر چگونگی میزان ارتباط با آن، امکانات رفاهی، شرایط مالی مناسب، رضایت خانواده از شرایط زندگی، راحت بودن، عدم تداخل فضاها و افراد، کاهش تنش مواجهه ناخواسته	- مرز مشخص بین خانواده و افراد غریبه - فضای شخصی: برای فعالیت‌های یک نفر؛ یک اتاق مشخص برای استراحت، درس خواندن، انجام تکالیف یا کارهای فردی، می‌تواند گوشه‌دنجی باشد. بین ۷ تا ۱۵ مترمربع. - فضای خصوصی: مشترک میان دو نفر؛ یک اتاق مشترک (همسر یا چند فرزند)، حریم خصوصی، سرویس بهداشتی و حمام مجزا؛ بین ۱۲ تا ۲۵ مترمربع - فضای جمعی: برای تمام خانواده، زمینه انجام فعالیت‌های مشترک با خانواده؛ شومینه (حس گرما)، تلویزیون، نهار خوری (غذا خوردن با خانواده)، شب‌ها بیشترین ساعت حضور تمام اعضای خانواده در کنار یکدیگر، فضای مکت باشد، بدون تردد، بین ۴۰ تا ۶۰ مترمربع، انعطاف پذیر - فضای عمومی: برای میهمانان، دیده نشدن باقی فضاهای خانه، نزدیک به درب ورودی، امکان تردد در باقی نقاط خانه بدون دیده شدن، امکان تفکیک فضا، بین ۴۰ تا ۶۰ مترمربع (بزرگتر برای مهمانان بیشتر)، مجزا و یکی شدن	- حفاظت از من، خانواده من و دارایی من - زمانی که در بیشترین حالت آسیب پذیر هستم: خواب، خستگی، استراحت، نبودن در خانه - مالکیت داشتن بر خانه - عدم احساس کنترل شدن درون یا بیرون خانه توسط دیگران - نیاز به مرز مشخص: لایه لایه بودن مرز درون و بیرون - تفکیک فضا بندی درون خانه - کنترل داشتن بر عدم ورود افراد بدون اجازه، غریبه آشنا بودن - سلسله مراتب میان فضاها؛ دید، دسترسی، حرکت، مکت - آشپزخانه: قلب تپنده خانه؛ گرم بودن، غذا خوردن - فعالیت‌های مشترک: دیدن اعضای خانواده

مصدق معماری در صورت خانه؛ مقوله سازی	ویژگی‌های استخراج شده هر فضا و معیارهای خانه خوب	کدهای کشف شده از روایت ساکنان؛ توضیحی بر کدها	هسته اصلی سوالات
<p>فضاهای باز یا نیمه‌باز اختصاصی مرتبط با بیرون: ریه‌های خانه، امنیت خیابان، دید محدود از بیرون به درون</p> <p>دید و منظر مطلوب به بیرون بدون دیده شدن درون خانه: امکان کنترل سهل دسترسی مستقیم به فضاهای درونی خانه برای هر فضا به صورت اختصاصی (یک فضای باز به دو فضای درونی دسترسی نداشته باشد)</p> <p>جریان زندگی: فعالیت‌های امکان پذیر در هر فضا پیش‌بینی شود: روایت ساکنان از اتفاقات خانه‌ها</p> <p>اولویت با ارتباط با آشپزخانه است، پس از آن نشیمن: فضای نیمه‌باز بزرگ، سپس هر اتاق خواب به صورت مجزا</p>	<p>فضای خصوصی میانه: واسطه‌هایی از جنس فضا میان درون و بیرون خانه، برای کاهش دیده شدن و افزایش محافظت (دسترسی مستقیم از فضاهای درونی به بیرونی بدون این واسطه‌ها فضاهای غیرقابل استفاده‌ای ایجاد می‌شود)</p> <p>فضایی باز یا نیمه‌باز خصوصی که از درون امکان دسترسی به آن فراهم است اما از بیرون نه دیدی به آن است و نه دسترسی (در دید و دسترسی تمام خانه نباشد، اتفاقات درونی تر برای اعضای خانواده، دیده شدن از بخش‌های اصلی خانه مثل آشپزخانه (حضور بیشتر والدین)، امکان بازی کودکان، امنیت (حیاط، حیاط خلوت، بالکن، تراس، بام و پنجره جز چنین فضاهایی هستند، از نظر ساکنان نورگیرها چنین ویژگی‌ای ندارند)</p>	<p>نیازهای روانی: شرایط کنونی؛ محدود شدن به درون خانه، دلگیری، بسته بودن، احساس خفگی، خسته شدن، اسارت، گیر افتادن، اذیت شدن کودکان، عدم کاهش دغدغه‌های روزانه، عدم اطلاع از تغییر فصول، آب و هوا، یکنواختی فضای درونی</p> <p>نیازهای عملکردی: نیاز به یک یا چند فضای بیرونی خصوصی (باز یا نیمه‌باز)؛ خشک کردن لباس‌ها، درست کردن کباب، اطلاع از مسائل در جریان گذر، آب و هوا، تغییر و تحول طبیعت، پرورش گل و گیاه، فضایی غالباً مرتبط با آشپزخانه، بازی کردن کودکان، کاهش تنش‌ها میان اعضای خانواده، دریافت نور و هوای تازه، علاقه به افزایش فرزندان</p> <p>اجبار به بسته بودن: وضعیت کنونی: دیده شدن از خانه‌های مجاور و گذر، اشراف همسایگان، افزایش سرقت و نیاز به تأمین امنیت خانه و خانواده</p>	<p>فرا تر از فضای درونی</p>
<p>تکیه‌گاهی برای نشستن، جایی برای دیدن و چیزی برای خوردن</p> <p>بالا تر از محیط اطراف بودن، دید داشتن و تسلط</p> <p>جریان زندگی: مسیرهای حرکت و مکث مکان‌های نشستن، خوابیدن، لم دادن، دراز کشیدن، ایستادن، فعالیت کردن، گفتگو کردن</p> <p>تناسب کالبد و فعالیت‌های رخ داده</p> <p>حفاظت شدن: امنیت، ورودی و دسترسی خانه</p> <p>تکنولوژی؛ اسباب سهولت در انجام کارها</p> <p>هوشمند بودن: تنظیم شدن وجوه مختلف خانه بر اساس نیاز ساکنان بدون دخالت مستقیم آنها</p> <p>نمود مادی انسان به دیگران</p> <p>فضاهای شخصی و فضاهای اختصاصی مجزا</p>	<p>ارتفاع؛ حداقل ارتفاع: ۲٫۸۰ متر، حداکثر ارتفاع اتاق: ۳٫۵ متر، حداکثر ارتفاع، نشیمن: ۵-۶ متر (بلندتر یا کوتاه‌تر تداعی احساس ترس یا خفگی و بی‌قواره بودن یا زیادی بزرگ بودن در ساکنان)</p> <p>ابعاد و تناسب فضا؛ حداقل عرض اتاق ۳ متر، تناسب یک به دو و سه به چهار، حداقل عرض نشیمن، ۵ متر، تناسب نزدیک به مربع، تناسب ۲ به ۳</p> <p>تفکیک مسیر حرکت و مکث</p> <p>تفکیک فضاهای عمومی و خصوصی</p> <p>دمای هوا؛ امکان کنترل دما در فصول مختلف؛ سیستم‌های مرکزی (داکت اسپلیت، چیلر، فن کوئل)</p> <p>میزان ورود هوای تازه (پنجره‌ها و درهای کشویی/قابلیت کنترل میزان باز بودن)</p> <p>میزان نور دریافت شده و جهت</p> <p>مصالح مرغوب، ماندگار و نمایش دهنده موقعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده</p>	<p>سرپناه بودن: محافظت شدن جسم از خطرات جهان: سیل، باران، برف، باد، آفتاب، زلزله، غریبه، دزد (این حفاظت در کنترل و دید ساکنان باشد)</p> <p>مقیاس انسان: در نظر گرفتن ابعاد کالبد انسان در موقعیت‌های مختلف: طول، عرض، ارتفاع</p> <p>امکانات رفاهی: تأمین دمای مطلوب (گرمایش و سرمایش یکنواخت)، برق، آب، گاز، اینترنت در دسترس، محل مطمئن پارکینگ خودرو، سهولت در حرکت بین طبقات، کمدهای مختلف برای وسایل مختلف، انبار بزرگ و در دسترس، فضاهای بزرگ، مصالح لوکس، نور و روشنایی تمام فضاها، میلمان راحت و بادوام، الکترونیکی بودن سیستم‌های کنترل: درب‌ها، روشنایی، تهویه، نورگیری و سایه، قفل کردن بازشوها، هوشمند بودن</p> <p>مکلف نبودن: لباس راحتی، قضاوت نشدن، دیده نشدن، در دسترس و دید غریبه‌ها نبودن</p> <p>نیازهای اولیه انسانی: شرایط اقتصادی و سیاسی</p>	<p>راحتی جسم</p>
<p>دغدغه کمتر: اقتصادی، اجتماعی، سیاسی</p> <p>تکراری نبودن: تصاویر، صداها، شرایط محیطی، کالبد، ارتباط با عناصر و مظاهر طبیعی، خانواده، فضاهای جمعی دنج، خودمآبی و بی‌تکلف</p> <p>ارتباط درون با بیرون: کنترل بر چگونگی ارتباط با جهان بیرون</p> <p>در امان بودن از آلودگی‌های صوتی، بصری، نوری، هوا، بیماری</p> <p>تکیه‌گاهی برای تماشای اتفاقات جهان و عزیزان</p> <p>خیال‌انگیز</p>	<p>حریم شخصی و خانوادگی</p> <p>ارتباط با طبیعت: شنیدن صدای آب، باران، پرنده، بوی گیاهان، دیدن سرسبزی گیاهان، آبی آسمان، آسمان شب، وزش باد در درختان و غیره (تکراری نیست، آزاردهنده نیست)</p> <p>فضای دل‌باز: وسیع، بلند، روشن</p> <p>فضای با صفا: گیاهان، آب، نور، هوای تازه و خنک، سایه درختان</p> <p>محافظت شدن از افراد غریبه، از وسایل و دارایی، از وجوه شخصی</p> <p>رفع شدن نیازهای جسمی، محافظت شدن</p> <p>سلسله مراتب از بیرون به درون؛ ورودی‌ها</p>	<p>خود: کاهش دغدغه‌های روزمره، فراموش کردن مسائل هر روز کاری، شخصی، اقتصادی، اجتماعی</p> <p>بی‌خبر بودن از اتفاقات ناگوار جهان: اخبار، اینترنت، حرص و جوش خوردن، دغدغه جسمی کمتر، مسائل اقتصادی کمتر، مشغله کمتر، شغل و رشته مورد علاقه، درآمد کافی، تفکر بیشتر، داشتن خلوت، عبادت، سفر</p> <p>دیگران: خانواده، شادی، صمیمیت، رضایت‌مندی، سرزندگی، نشاط، خیال راحت، دورهم جمع شدن، سلامتی، رفاه، شغل، آینده فرزندان، امنیت روانی</p>	<p>روان خیال</p>



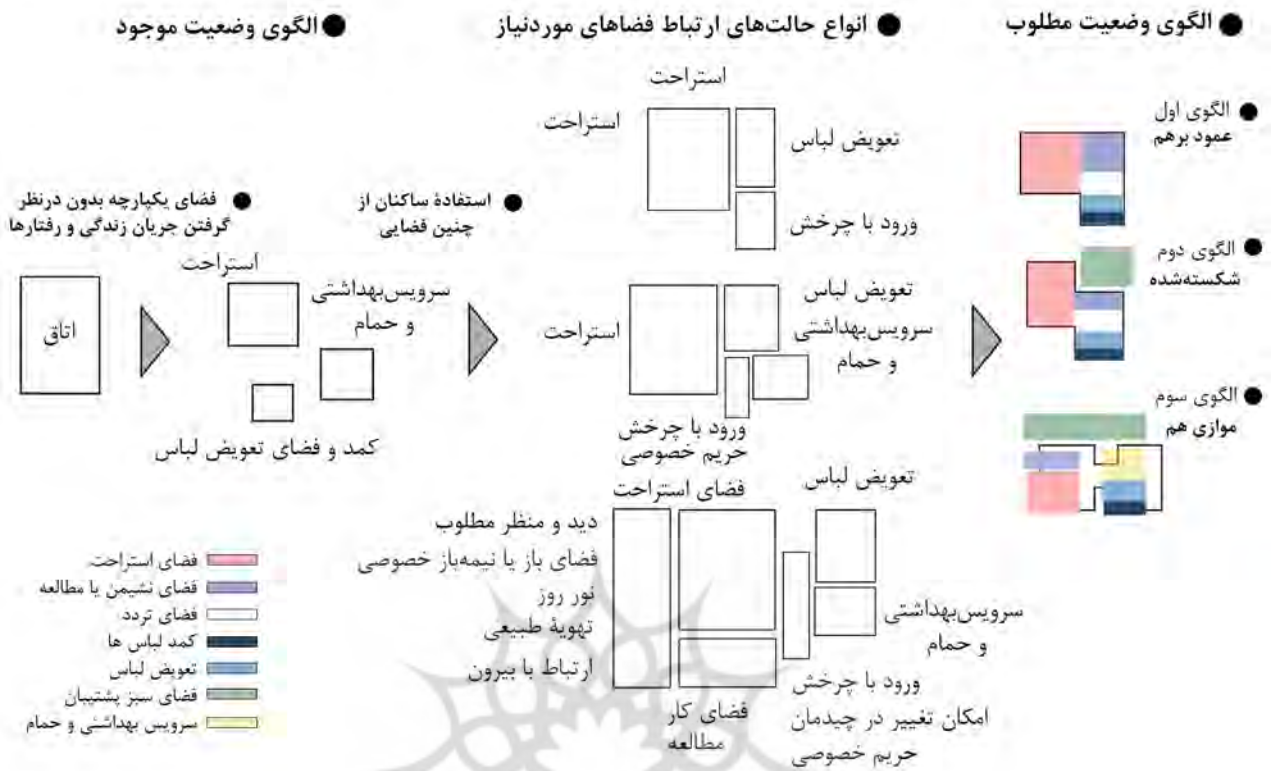
تصویر ۵. الگوی وضعیت موجود در نسبت با الگوهای اولیه اتاق شخصی مطلوب براساس نیازهای ساکنان. مأخذ: نگارندگان.
جدول ۴. نمودار کالبدی معیارهای استخراج شده برای اتاق شخصی مطلوب براساس توصیف ساکنان. مأخذ: نگارندگان.

معیارهای کشف شده	زیرمعیارها	نمود کالبدی معیارها
حریم و تفکیک	بیرون	دیدن نشدن از بیرون
	درون	دیدن نشدن از درون
استقلال	امکانات اتاق	عدم انتقال صدا فضای استراحت/ فضای کار/ کمد لباس/ تهویه مناسب/ نورگیری مطلوب/ حضور دوست یا مهمان
	دسترسی و کنترل	جابه‌جایی و تغییر دکوراسیون ابعاد مناسب وسایل شخصی و سلیقه فردی
انعطاف‌پذیری	افزایش سن، تغییر نیازها	دیدن فرزندان؛ کنترل تغییر کالبد
	تنوع فضایی	تفریحات مشترک خانوادگی ارتفاع سقف، ارتباط با بیرون، توسعه اتاق، چند عملکردی و بزرگتر
سکوت	درون	فعالیت واحد در فضاهای مختلف: فضای باز، نیمه‌باز و بسته/ دسترسی شخصی غیرمشترک/ وسعت و تناسب نزدیک به مربع
	بیرون	فیلترهای فضایی چندلایه شدن نما
آرامش	دنج بودن	در دسترس همه نبودن/ کنترل داشتن بر تردد
	راحت	مالکیت/ خود واقعی بودن/ قضاوت نشدن
دید و منظر	دیدن زیبایی	طبیعت/ شهر/ انسان‌ها/ فضای سبز
	ندیدن زشتی	ساختمان‌ها/ درون خانه‌ها عدم قرارگیری پنجره‌ها مقابل یکدیگر

• آشپزخانه

یکی از اصلی‌ترین فضاهای خانه از نگاه ساکنان آشپزخانه است. جایی که قلب خانه یا عامل گرمابخش خانه و خانواده تلقی می‌شود (جدول ۸). این فضا به‌عنوان یک فضای میانی اصلی با نیاز به دسترسی به هر دو جبهه عمومی و

جمع‌شدن، افزایش صمیمیت و صحبت میان ساکنان خانه ایجاد می‌شود (جدول ۷). نکته مهم در رابطه با این فضا آن است که خط دید و امتداد فضا ارتباطی با فضاهای خصوصی نداشته باشد. این فضای جمعی به دو بخش اساسی نشیمن خصوصی و پذیرایی عمومی مهمان تقسیم می‌شود (تصویر ۱۰).



تصویر ۶. الگوی وضعیت موجود در نسبت با الگوهای اولیه اتاق خصوصی مطلوب براساس نیازهای ساکنان. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۵. نمود کالبدی معیارهای استخراج شده برای اتاق خصوصی مطلوب براساس توصیف ساکنان. مأخذ: نگارندگان.

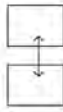
معیارهای کشف شده	زیرمعیارها	نمود کالبدی معیارها
تفکیک / حریم	درون	درون اتاق
	دیگر اتاق‌ها	فضای استراحت/ مطالعه/ کمد و سرویس مجزا
کیفیت	بیرون	کنترل دید به هم/ بدون مزاحمت
	امکانات اتاق	فضاهای درجه دوم/ فضاهای واسط دوربودن از مجموعه دیگر اتاق‌ها
دید و نور مطلوب	زیبا بودن	فضای نیمه‌باز/ فعالیت مشترک/ پنجره‌های نورگیر/ پرورش گل و گیاه
	از هر چیزی جفت	نشستن/ دیدن اتفاقات گذر/ دلباز/ لمس باران
دید و نور مطلوب	زیبا بودن	تجارب دیده شده؛ صفحات مجازی
	دید و نور مطلوب	رنگ‌های روشن/ نور غیرمستقیم/ نور مخفی/ فرم‌های ساده معماری؛ ذائقه مردم
دید و نور مطلوب	زیبا بودن	مبلمان و داخلی؛ سلیقه فردی
	دید و نور مطلوب	روشنویی/ فضای آماده شدن/ کمد لباس‌های وسیع/ سرویس بهداشتی دو عدد
دید و نور مطلوب	زیبا بودن	کالبد ثابت
	دید و نور مطلوب	کالبد غیر ثابت/ نیمه ثابت
دید و نور مطلوب	زیبا بودن	عدم تداخل فضای آماده شدن و حریم وسایل شخصی
	دید و نور مطلوب	روشنویی/ فضای آماده شدن/ کمد لباس‌های وسیع/ سرویس بهداشتی دو عدد
دید و نور مطلوب	زیبا بودن	امکان دید به بیرون/ کاهش انتقال صدا/ سهولت در باز و بسته شدن پرده، امنیت، کنترل دید
	دید و نور مطلوب	در کنار محل استراحت/ بدون OKB/ محافظ پنجره/ تابش بندهای خارجی

• ورودی

در روایت ساکنان ورودی خانه اولین مواجهه و اصلی‌ترین مکان تأثیرگذاری بر مهمانان و نشان‌دهنده شأن خانه است (جدول ۹ و تصویر ۱۲).

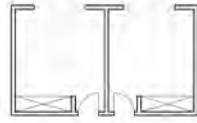
خصوصی خانه تلقی می‌شود. از نگاه ساکنان حس درست کردن غذا نشانی از حضور تعداد افرادی دورهم است که جریان این ارتباط برایشان مهم بوده و می‌توان در بهبود یا کاهش تنش‌های زندگی‌شان مؤثر باشد (تصویر ۱۱).

● الگوی وضعیت موجود ارتباط فضای عمومی و خصوصی خانه



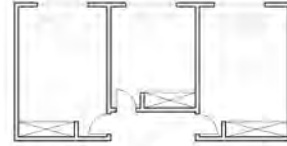
- دیدن مستقیم
- دسترسی مستقیم
- عدم حریمیت
- عدم حریم خصوصی

● الگوی وضعیت موجود خانه‌های دو خوابه



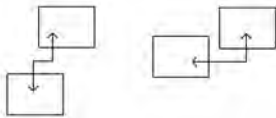
- عدم تمایز میان اتاق‌ها
- دیده شدن از فضای عمومی خانه
- از بین رفتن حریم اتاق‌ها
- ارتباط نامطلوب با بیرون
- دیده شدن از بیرون
- تک‌لایه بودن مرز درون و بیرون

● الگوی وضعیت موجود خانه‌های سه خوابه



- دیوارهای مشترک بین اتاق خواب‌ها
- انتقال صدا و ایجاد مزاحمت و کاهش حریم
- عدم تمایز میان فضاهای خصوصی و شخصی
- عدم ارتباط مناسب با بیرون
- دیده شدن درون اتاق از فضای عمومی خانه
- عدم وجود فضاهای نیمه‌باز اختصاصی

● الگوی وضعیت مطلوب ارتباط فضای عمومی و خصوصی خانه از نگاه ساکنان



- چرخش محور در ارتباط فضای عمومی و خصوصی
- حریمیت بیشتر
- دسترسی دشوارتر
- حریم خصوصی بیشتر

● الگوی وضعیت مطلوب خانه‌های دو خوابه



- تغییر محور حرکت و دید
- ارتباط با فضای باز؛ قاب کردن درخت در انتهای راهرو
- افزایش کیفیت فضاهای میانی
- فاصله گذاری میان اتاق‌ها
- تمایز میان اتاق‌های شخصی و خصوصی
- فضاهای نیمه‌باز اختصاصی
- افزایش لایه بندی مرز درون و بیرون
- تغییر محور دید در اتاق

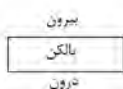
● الگوی وضعیت مطلوب خانه‌های سه خوابه



- تغییر محور حرکت و دید
- عدم دیده شدن از فضای عمومی خانه
- وجود فضاهای نیمه‌باز اختصاصی
- افزایش لایه‌های ارتباط با بیرون
- کاهش دیده شدن از بیرون
- فیلترهای میان جداره‌های اتاق‌ها؛ کاهش انتقال صدا
- افزایش حریم اتاق‌ها
- تمایز میان اتاق‌های خصوصی و شخصی

تصویر ۷. چگونگی ارتباط میان اتاق‌های خانه بر اساس توصیف ساکنان. مأخذ: نگارندگان.

● الگوی وضعیت موجود



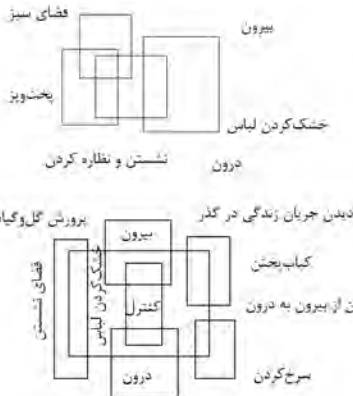
بدون لایه بندی و سلسله مراتب

نیازمندی‌ها



تناسبات نزدیک به مربع و فرم‌های مرکزگرا

● انواع حالت‌های بهبود وضعیت فضا بر اساس نیاز ساکنان



● الگوی وضعیت مطلوب

● الگوی اول
تناسبات مربع

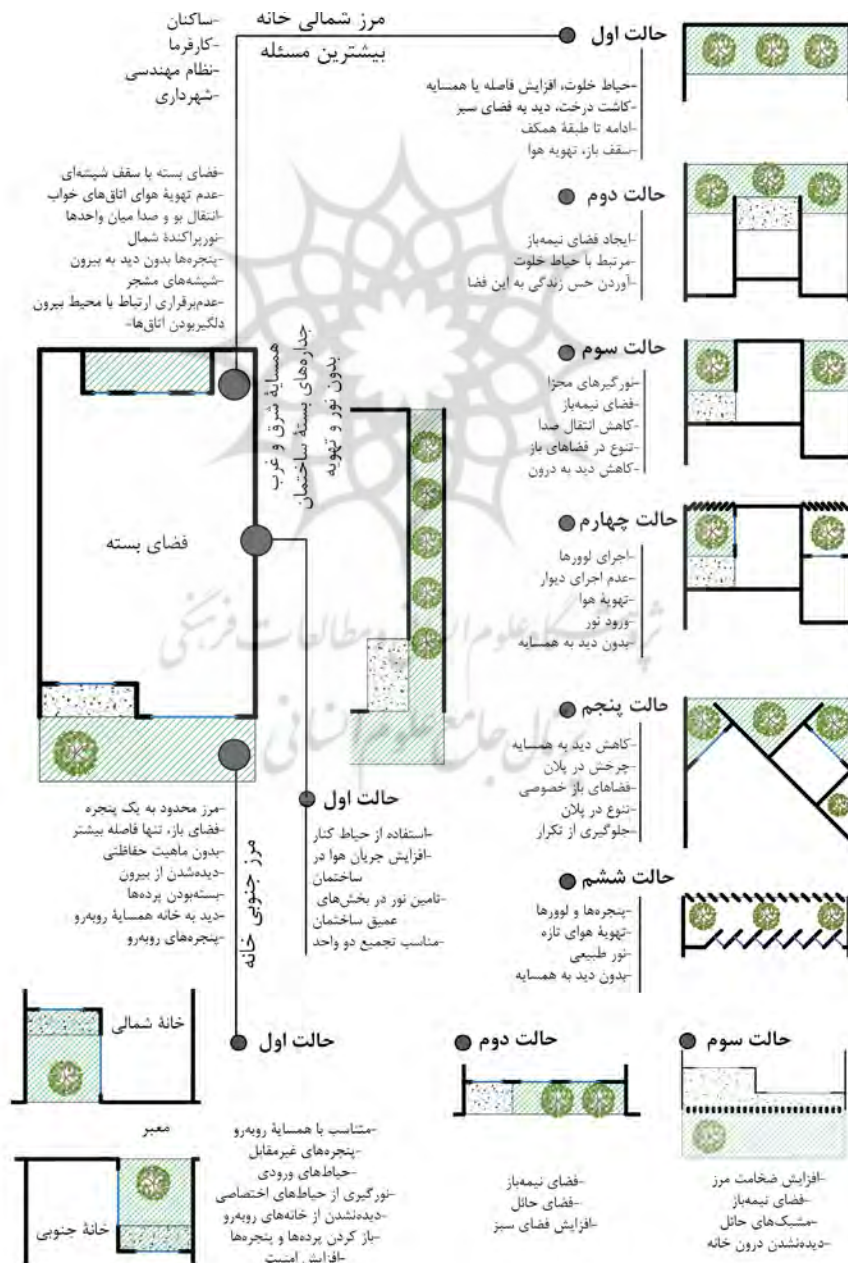
● الگوی دوم
تی شکل

- فضای بخت‌ویز
- فضای نشستن یا مطالعه
- فضای تردد
- فضای سبز پرورش گل و گیاه
- راه ارتباطی با درون
- خشک کردن لباس‌ها / بوقتی

تصویر ۸. الگوی وضعیت موجود در نسبت با الگوهای اولیه فضای نیمه‌باز مطلوب بر اساس نیازهای ساکنان. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۶. نمود کالبدی معیارهای استخراج شده برای فضای نیمه باز مطلوب براساس توصیف ساکنان. مأخذ: نگارندگان.

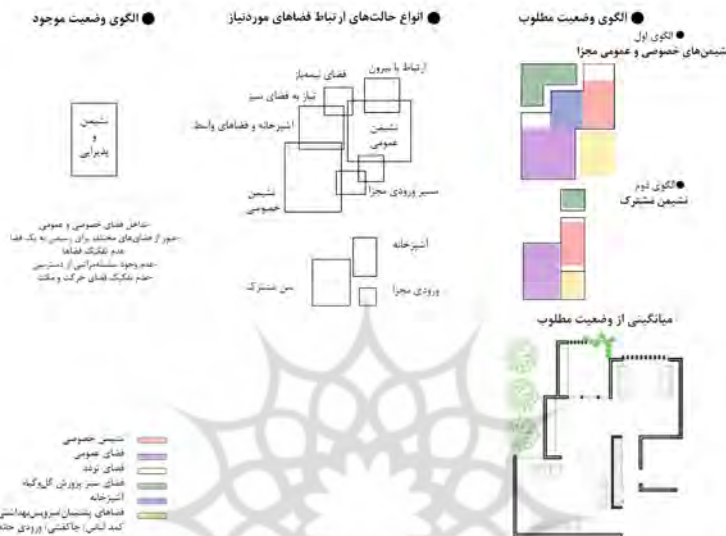
معیارهای کشف شده	زیرمعیارها	نمود کالبدی معیارها
ارتباط با درون	فراتر از یک در؛ جدارهای متحرک / افزایش تعامل / حضور بیشتر و ماندن در ارتباط با آشپزخانه (اولویت اول) / نشیمن و اتاق خواب (بهتر است هر فضای خصوصی یک فضای نیمه باز اختصاصی نیز داشته باشد)	انتقال بخشی از عملکردهای درونی به فضای نیمه باز؛ پخت و پز / خشک کردن لباس / نشستن و لذت بردن از هوای تازه / پختن کباب / پرورش گل و گیاه
بیشترین استفاده	دید به بیرون / کاهش دید از بیرون به درون / اتفاقات گذر / تغییر حال و هوا / جریان زندگی	در جایگاه حیاط در خانه های ویلایی لایه های مشبک / تابش بندهای باز و بسته شوند
عملکردها	کنترل داشتن	اطمینان خاطر از امنیت جداره های باز و بسته شوند
درون؛ خانه	عدم دسترسی از خیابان به درون فضای نیمه باز در هنگام سفر یا موارد دیگر	



تصویر ۹. نمونه ای از گزینه های پیشنهادی برای چگونگی ارتباط درون با بیرون (مرزبندی های ساختمان). مأخذ: نگارندگان.

جدول ۷. نمود کالبدی معیارهای استخراج شده برای فضای جمعی مطلوب براساس توصیف ساکنان. مأخذ: نگارندگان.

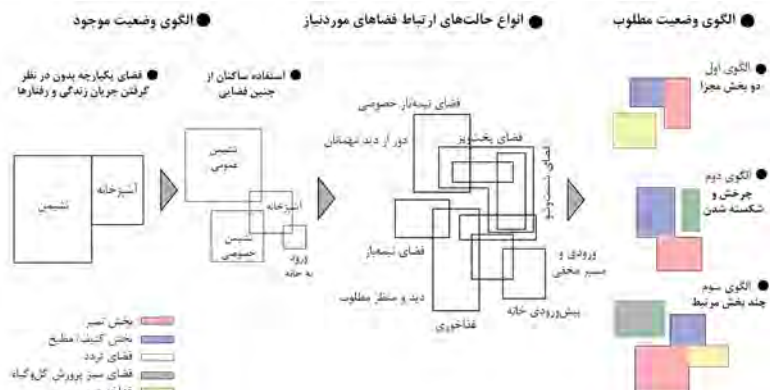
معیارها	زیرمعیارها	نمود کالبدی معیارها
صمیمیت	فعالیت‌های مشترک	دوره‌جم جمع شدن/ با محوریت تلویزیون، شومینه یا پنجره و فضای نیمه‌باز
تفکیک/ حریم	دسترسی بدون مزاحمت	تفکیک فضاهای عمومی، خصوصی و میانی/ خانه
ارتباط	دسترسی به فضاهای میانی	آشپزخانه/ کمد لباس و کفش/ سرویس بهداشتی
		مرکزگرایی/ محوربندی تغییر و تنوع در فضای نشستن مهمانان/ بازی‌های جمعی یکپارچه شدن و تفکیک/ فضای مهمان جدا/ دسترسی‌های مخفی‌تر امکان حرکت مهمانان میان چند فضا؛ افزایش صمیمیت و آزادی



تصویر ۱۰. الگوی وضعیت موجود در نسبت با الگوهای اولیه فضای جمعی مطلوب براساس نیازهای ساکنان. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۸. نمود کالبدی معیارهای استخراج شده برای آشپزخانه مطلوب براساس توصیف ساکنان. مأخذ: نگارندگان.

معیارها	زیرمعیارها	نمود کالبدی معیارها
محفوظ بودن	دسترسی غیرمستقیم	دسترسی مخفی تر از ورودی خانه/ بدون دیده شدن اما با دسترسی به نشیمن مهمانان
دلباز	روشن	انبار مواد غذایی/ فضای غذاخوری/ مطبخ/ فضای باز یا نیمه‌باز خصوصی مرتبط با مطبخ
امکانات	وسایل و کالبد	سرویس بهداشتی/ فضاهای آلوده یا با صدای نامطلوب/ انتقال حس نامطلوب
دسترسی	قلب خانه	روشن بودن زوایای مخفی آشپزخانه نورهای گسترده اما کم و مخفی
		دید و منظر
		درختان و سبزی/ مناظر طبیعی/ فاصله از دیگر ساختمان‌ها
		هماهنگی میان تعداد/ نوع و فضای موردنیاز هر وسیله با کابینت‌ها/ پیش‌بینی نیازها
		امکان پرورش و دسترسی به گیاهان
		موقعیت سوق‌الجیشی
		امکان دسترسی به تمامی نقاط خانه بدون مزاحمت برای دیگری

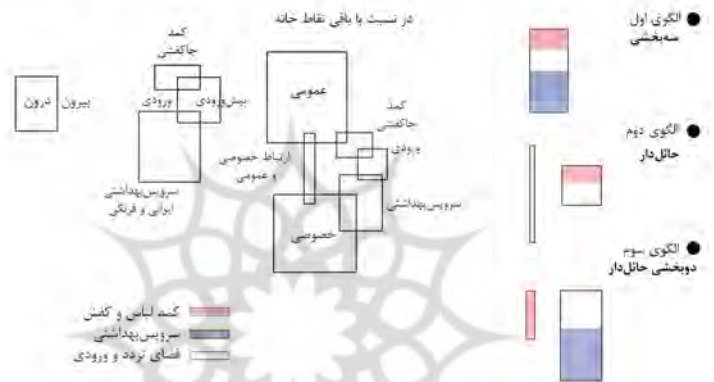


تصویر ۱۱. الگوی وضعیت موجود در نسبت با الگوهای اولیه آشپزخانه مطلوب براساس نیازهای ساکنان. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۹. نمود کالبدی معیارهای استخراج شده برای ورودی مطلوب براساس توصیف ساکنان. مأخذ: نگارندگان.

معیارها	زیرمعیارها	نمود کالبدی معیارها
محافظة	امنیت / دسترسی	سلسله مراتب / همه چیز در دیدن بودن / حفظ حریم خانه و خانواده فضای کافی برای وسایل، کفش و لباس
منحصربودن	یک خانواده / کنترل داشتن	افراد غریبه / تنها ماندن در خانه / کنترل دسترسی فرزندان برای خروج خوش آمدگویی ضمن رعایت فاصله و حریم خانواده / انتظار برای دیدن و مواجه شدن نامطلوب بودن ورودی مشترک برای چند خانواده (چند واحد در یک طبقه) / عدم محدود بودن ورودی به یک درب؛ فضای قبل و بعد از آن جزو ورودی
دعوت کنندگی	اولین تأثیر زیبایی	جذابیت بصری؛ رنگ های شاد / نمادی از درون خانه / امکان نشستن و انتظار / گذاشتن وسایل و باز کردن در / کفش کن (فضای کثیف) بدون انتقال خاک به داخل خانه

● الگوی وضعیت مطلوب ● انواع حالت های ارتباط فضاهای مورد نیاز ● الگوی وضعیت موجود

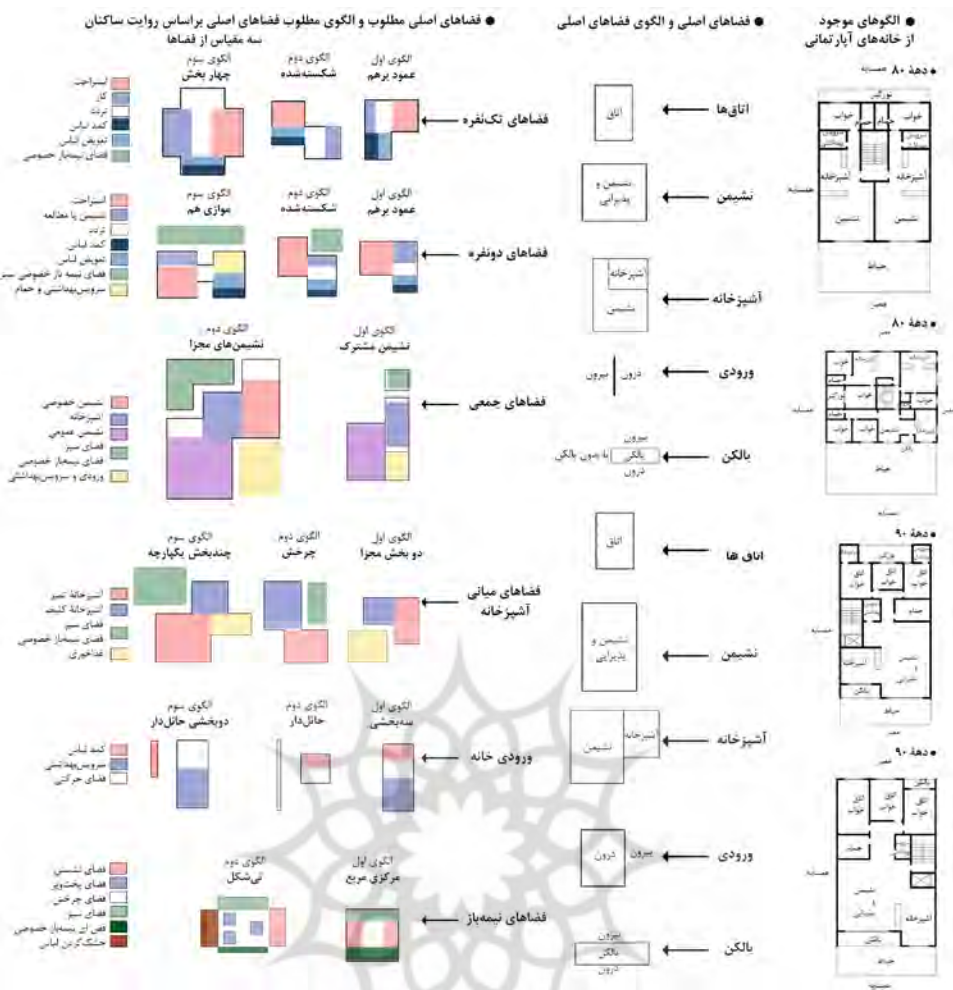


تصویر ۱۲. الگوی وضعیت موجود در نسبت با الگوهای اولیه ورودی مطلوب براساس نیازهای ساکنان. مأخذ: نگارندگان.

نتیجه گیری

طراحی خانه های آپارتمانی براساس معیارهای معنای خانه برای ساکنان و ارائه پژوهشی به عنوان راهنمایی برای طراحی معماری است (تصویر ۱۳). در نهایت مسئله اساسی آن است که نه تنها یک سناریو واحد برای چگونگی ماهیت خانه بودن وجود ندارد بلکه ساکنان بندی این خانه ها نیز تعریف نشده است. می توان گفت معنای خانه برای ساکنان تنها مجموعی از فضاها با ابعاد مشخص و استاندارد نیست بلکه فهم جریان زندگی در این فضاها و رسیدن به قواعدی از چگونگی تغییر این جریان است. در واقع فضاهای خانه متناسب با زندگی ساکنان، اقتضای کالبدی متفاوتی پیدا می کنند. یعنی نمی توان برای همه عملکردها در تمام مقیاس ها از یک صورت استفاده نمود. توجه نکردن به این امر علاوه بر ایجاد تکرار به جای الگو؛ سبب نارضایتی ساکنان و فاصله گرفتن مکان زندگی شان از معنای خانه بودن در ذهن آنها می شود. در این راه فراتر از الگوهای پیشنهاد شده در طی پژوهش؛ به نظر می رسد مسأله لایه بندی و مرز بندی فضاهای مختلف نقش کلیدی و اساسی در تمامی فضاها و همچنین ارتباط میان آنها با یکدیگر دارد؛ یعنی نکته اساسی در تعریف معنای خانه برای ساکنان به واسطه چگونگی این مرز بندی شکل می گیرد که می تواند عاملی برای پژوهش های آتی در این حوزه باشد. از آنجا که مسئله تعمیم پذیری در پژوهش های کیفی؛ بر باور پذیری و قابل اعتماد بودن نتایج تأکید دارد و این مقاله در

به دنبال نمایان شدن شکافی آشکارا میان پژوهش های فراوان در حوزه خانه و معماری خانه با خانه های آپارتمانی ساخته شده در سال های اخیر، حلقه مفقوده ای برای ارتباط میان این دو حوزه بیان شد؛ ساکنان و نگاه آن ها به معنای خانه. بنابراین پرسشی اساسی شکل گرفت: مؤلفه های سازنده معنای خانه از نگاه ساکنان چگونه می تواند در قالب الگوهایی تعمیم شونده به قواعدی تبدیل شود که بتواند در خانه های مختلف صورت های متفاوت بپذیرد؟ قواعدی که برگرفته از وضعیت موجود باشد و بتواند کمک کننده و بهبود دهنده آینده چنین وضعیتی تلقی شود. به منظور پاسخ به این پرسش توصیف ساکنان از معنای خانه در بافت میانی شهر کرمانشاه که می توانست بسیار به کالبد معماری و نسبت آن با وضع موجود نزدیک باشد استخراج شد. سپس الگوهای سازنده خانه که بیشترین تکرار را داشتند کشف شد و براساس توصیف ساکنان، گزینه هایی از این الگوها برای بهبود وضع موجود پیشنهاد شد. در نهایت این الگوهای پیشنهادی به ساکنان ارائه شد تا بیشترین میزان رضایت و مطلوبیت آنها در عالم واقع بار دیگر بررسی گردد. بنابراین می توان نتیجه گرفت نوآوری این پژوهش در اتصال شاخص های کشف شده در پژوهش ها با معیارهای ساکنان و سنجش این شاخص ها در عالم واقع است. همچنین رسیدن به الگوهایی قابل استفاده در حوزه



تصویر ۱۳. خلاصه‌ای از نتایج به‌دست آمده. مأخذ: نگارندگان.

بافت میانی شهر کرمانشاه انجام پذیرفته است، شاید نتوان نتایج تمامی الگوها را به دیگر شهرها و زمینه‌ها تعمیم داد اما می‌تواند در خانه‌های آپارتمانی کرمانشاه قابل تعمیم بوده و همچنین راهی برای انجام چنین پژوهش‌هایی در زمینه‌های دیگر و قیاس میان نتایج آنها تارسیدن به‌نظریه‌ای گسترده‌تر به‌منظور تعمیم در تمامی خانه‌های آپارتمانی باشد.

فهرست منابع

- قرآن کریم. (۱۳۹۰). ترجمه حسین انصاریان. قم: آیین دانش.
- ارمغان، مریم؛ خوانساری، شیدا و شفیعیان، محدثه. (۱۴۰۰). *خانه‌هایی که در من جا ماندند*. مشهد: کتابکده کسری.
- اصفی، مازیار و ایمانی، الناز. (۱۳۹۵). بازتعریف الگوهای طراحی مسکن مطلوب ایرانی - اسلامی معاصر با ارزیابی کیفی خانه‌های سنتی. *پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۴(۲)، ۵۶-۷۳.
- اقلطیفی، آزاده و حجت، عیسی. (۱۳۹۷). بررسی تأثیرپذیری مفهوم خانه از تحولات کالبدی آن در دوران معاصر در شهر تهران. *هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی*، ۲۳(۴)، ۴۱-۵۴.
- اقلطیفی، آزاده. (۱۴۰۰). در جستجوی نسبت تحولات خانه‌های معاصر و خانه‌های تاریخی شهر سمنج. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۱۲(۴۵)، ۱۷-۳۰.

- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۹۰). *معماری و راز جاودانگی* (ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی). تهران: روزنه.
- ایلکا، شاهین. (۱۳۹۶). *خانه مطلوب ایرانی، پژوهشی بر مفهوم خانه براساس پنداشت کاربران گذشته و حال* (رساله منتشر نشده دکتری معماری). دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد علوم تحقیقات. تهران: ایران.
- باشلار، گاستون. (۱۳۹۷). *بوطیقای فضا* (ترجمه مریم کمالی و محمد شیرچچه). چاپ چهارم. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- بختیاری‌منش، محیا و بمانیان، محمدرضا. (۱۴۰۲). ارزیابی اصول معنادهی به مشربیه تالالکن‌های معاصر، تعامل درون و بیرون خانه‌های شهر کرمانشاه. *آرمان شهر*، ۱۶(۴۲)، ۳۱-۴۶.
- براتی، ناصر. (۱۳۸۲). بازشناسی مفهوم خانه در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی. *فرهنگستان هنر*، ۸(۸)، ۲۴-۵۵.
- برهن، سارا؛ پروا، محمد و نصر، طاهره. (۱۳۹۹). بررسی مسکن از دیدگاه نشانه‌شناسی: مورد مطالعاتی خانه‌های دوره قاجار و مجتمع‌های مسکونی معاصر شهر شیراز. *آرمانشهر*، ۱۳(۳۱)، ۳۱-۵۲.
- پوردیپیمی، شهرام؛ زمانی، بهادر و نگین‌تاجی، صمد. (۱۳۹۰). رویکرد انسانی به مسکن. *صفه*، ۲۱(۵۴)، ۵-۱۴.
- حائری مازندرانی، محمدرضا. (۱۳۹۵). *خانه، فرهنگ و طبیعت: بررسی معماری خانه‌های معاصر*. چاپ دوم. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- حجت، عیسی؛ مظفر، فرهنگ و سعادت، سیده پوراندخت. (۱۳۹۶). تبیین

- (۴۵)، ۶۱-۷۶.
- کرسول، جان دلبلیو. (۱۳۹۸). طرح پژوهش رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی (ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای طوسی). تهران: جهاد دانشگاهی، واحد علامه طباطبایی.
 - گروت، لیندا و وانگ، دیوید. (۱۳۹۶). روش‌های تحقیق در معماری (ترجمه علیرضا عینی‌فر). تهران: دانشگاه تهران.
 - گلابی، بایزید؛ بایزیدی، قادر؛ طهماسبی، ارسلان و سحابی، جلیل. (۱۳۹۷). کاوش عمیق معنای خانه بومی به روش پدیدارشناسی (مورد مطالعه: خانه روستایی منطقه موکریان ایران). پژوهش‌های روستایی، ۹(۴)، ۶۴۶-۶۶۰.
 - گیفورد، رابرت. (۱۳۷۸). حریم خصوصی (نهان خواهی) (ترجمه اکبر سرداری زنونز). معماری و فرهنگ، ۱(۲ و ۳)، ۶۲-۷۰.
 - محمودی مهماندوست، مرتضی. (۱۳۹۶). معنا در مسکن، بازخوانی روایت مسکن دیروز برای زندگی امروز. اندیشه معماری، ۱(۲)، ۹۸-۱۱۲.
 - نصر، سید حسین. (۱۳۸۹). هنر و معنویت اسلامی (ترجمه رحیم قاسمیان). تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
 - نوربرگ شولتز، کریستین. (۱۳۹۵). گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان (ترجمه ویدا برازجانی). تهران: جان جهان.
 - نوربرگ شولتز، کریستین. (۱۳۹۸). مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی (ترجمه محمود امیریاراحمدی). تهران: آگه.
 - نیلاندر، اولاف. (۱۳۹۰). معماری خانه (ترجمه محمد صادق فلاحت). زنجان: دانشگاه زنجان.
 - ونتلینگ، جیمز دوبلیو. (۱۴۰۱). طراحی مسکن بر پایه سبک زندگی (ترجمه حبیب قاسمی). مشهد: کتابخانه کسری.
 - هایدگر، مارتین. (۱۳۸۱). شعر، زبان و اندیشه رهایی (ترجمه عباس منوچهری). تهران: مولی.
 - Despres, C. (1991). The meaning of home: literature review and directions for future research and theoretical development. *Journal of Architectural and Planning Research*, 8(2), 96-115.
 - Hayward, G. D. (1975). Home as an environmental and psychological concept. *Landscape*, 20, 2-9.
 - Putnam, T. & Newton, C. (1998). *Household choices*. London: Futures.
 - Rybczynski, W. (1987). *Home: a short history of an idea*. London: Penguin Books.
 - Tognoli, J. (1987). Residential Environments. In D. Stokols & I. Altman (Eds.). *Handbook of Environmental Psychology*. Vol. 1. Hoboken, NJ: John Wiley & Sons, pp. 655-690.
 - Wehmeier, S. (Ed.) (2004). *Oxford advanced learner' dictionary of current English*. (6th ed.). Oxford: Oxford University.

- صفات تأثیرگذار خانه در شکل‌گیری دلبستگی انسان به آن (ارائه یک مدل فرایند علی). هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۲(۲)، ۵۱-۶۲.
- حسنی، کیانوش و نوروز برازجانی، ویدا. (۱۳۹۷). الگوی نوین از دستور زبان شکل در معماری خانه امروز؛ نمونه موردی: خانه‌های مجموعه‌ای قاجاری شهرهای تبریز و تهران. باغ نظر، ۱۵(۶۳)، ۲۹-۴۰.
 - حکمت‌نیا، سعید و کمالخانی، مهکامه. (۱۴۰۱). آپارتمان، ریشه‌شناسی یک‌گونه. کوچه، ۱۰، ۳۰-۳۳.
 - دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
 - رایپورت، آموس. (۱۳۹۲ الف). انسان‌شناسی مسکن (ترجمه خسرو افضلیان). چاپ دوم. مشهد: کتابخانه کسری.
 - رایپورت، آموس. (۱۳۹۲ ب). معنی محیط ساخته‌شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی (ترجمه فرح حبیب). چاپ سوم. تهران: سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
 - رلف، ادوارد. (۱۳۹۷). مکان و بی‌مکانی (ترجمه محمدرضا نقصان محمدی، کاظم مندگاری و زهیر متکی). چاپ چهارم. تهران: آرمانشهر.
 - سمسار، محمدحسن، سرابیان، فاطمه و مقدم، رضا. (۱۳۹۲). سیمای تهران. جلد دوم. تهران: زربران.
 - شایگان، داریوش. (۱۳۹۷). هنری کرین: آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی (ترجمه باقر پرهام). چاپ هشتم. تهران: فرزانه روز.
 - صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۷۱). مفاتیح الغیب (ترجمه و تعلیق محمد خواجوی). تهران: مولی.
 - صدوقی، آرزو. (۱۳۹۰). فهم سرشت خانه ایرانی با روش پدیدارشناسی، نمونه‌موردی شوادان و پیش‌بوم در خانه دزفولی (رساله منتشرنشده دکتری معماری). دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.
 - طباطبایی ابراهیمی، سید علی و تفضلی، زهره. (۱۳۹۷). روایت خانه: روشی برای فهم و بازنمایی مطلوبیت تجربه زیسته در خانه. مطالعات معماری ایران، ۷(۱۴)، ۱۲۵-۱۴۷.
 - طباطبایی ابراهیمی، سید علی. (۱۴۰۰). خانه‌خوانی: تجربه زندگی در دوره گذار معماری تهران. چاپ سوم. تهران: اطراف.
 - عزیزی بندرآبادی، نجمه. (۱۳۸۱). خانه، لباسی بر تن خانواده (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی‌ارشد رشته معماری). دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.
 - کوپر مارکوس، کلر. (۱۳۸۲). خانه: نماد خویشتن (ترجمه احد علیقلیان). خیال (فرهنگستان هنر)، ۵، ۸۴-۱۱۹.
 - فاکس، مایکل آلن. (۱۴۰۰). همه چیز درباره خانه (ترجمه مهدی نصراله‌زاده). تهران: بیدگل.
 - کبیری سامانی، علی؛ ملکوتی، علیرضا و یادگاری، زهره. (۱۳۹۵). بازشناسی معنای خانه در قرآن، رهیافتی در جهت تبیین مبانی نظری خانه. باغ نظر، ۱۳.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

بختیاری منش، محیا؛ انصاری، مجتبی؛ بمانیان، محمدرضا و یگانه، منصور. (۱۴۰۲). تخریب‌بودن؛ پژوهشی اکتشافی در روایت ساکنان از معنای خانه در بافت میانی شهر کرمانشاه (الگوهای برای بهبود خانه‌های آپارتمانی). باغ نظر، ۲۰(۱۲۹)، ۵۷-۷۴.

DOI:10.22034/BAGH.2023.393419.5363

URL: https://www.bagh-sj.com/article_187576.html

